

از قطره های خون تو گلگون کفن شهید
شام و سحر ز تربت پاکت همی رسد
سر کرده خم بنفشه ز غم در عزای تو
مادر بیاورد به زبان نام تو به فخر
جایش به باغ جنت مأوا بود (امیر)
به تجلیل از فرخنده شهید، از دیوان شادروان الحاج سید امیر انصاری نقل شد

شهادت فرخنده رابه خانواده او وهمه هم میهنان صمیمانه تسلیت میگوییم . (اداره امید)



فرخنده را در داخل زیارت لت وکوب کردند، بعد مقابل مسجد انداختند و باز کوفتند، زیر موتر ساختند، و بالاخره در بستر خشک رودخانه سوزاندند

پروان را برای کوچی ها تخلیه کنید

۲۶ مارچ / کابل -افغان پیر: ساکنان ولایت پروان باید این ولایت را برای کوچیهای پاکستانی تخلیه کنند. بر اثر فشارهای وزارت اقوام و قبایل و کمسیون اسکان کوچیهای شورای ملی ویی تفاوتی نمایندگان مردم پروان، پبج خانم ذکیه سنگین، یک هیئت پارلمانی به پروان رفته تابا اعمال فشارهای مزید، توزیع شناسنامه رابرای ۲۹ هزار کوچی تطبیق نمایدو همچنان زمینهای مردم بومی را برای چراگاه های مواشی کوچی ها تخلیه و تصاحب نمایند. اینهم لیست ریاست اقوام و قبایل که تعداد کوچی هادر پروان را ۲۸۰۵ فامیل مجموع ۲۹ هزار نفر و تعداد مواشی آنها یاندازد. ۱-تعداد کوسفندان کوچیها در پروان ۲۳۱۷۰۰ راس؛ ۲-تعداد بز ها ۷۸۵۰۰ راس؛ ۳-تعداد شتر ها ۱۵۴۰ راس؛ ۴-تعداد خر ها ۲۵۱۰ راس؛ ۵-تعداد گاو ها ۵۲۶۰ راس

نظر به این آمار و ارقام جایی برای باشنده های اصیل پروان زمین باقی نمی ماند. لطفاقبل از اینکه پروان به بهسود دومی مبدل شود دست بکار شوی د .

۱۹ وزیر پیشنهادی جدید کابینه اعلام شدند

اول اپریل /کابل -بی بی سی: بر اساس خبرنامه ارگ، همایون رسا، به وزارت تجارت و صنایع، عبدالباری جهانی، به وزارت اطلاعات و فرهنگ، اسدالله ضمیر به وزارت زراعت و مالدارۍ، محمد گلاب منگل، به وزارت سرحداث و قبایل، محمود بلیغ، به وزارت فواید عامه، عبدالستارمراد، به وزارت اقتصاد، محمدالله بتاش، به وزارت حمل و نقل، اسدالله حنیف بلخی به وزارت معارف،سید سعادت منصور نادری، به وزارت شهرسازی، عبدالصیر اثور، به وزارت عدلیه،داد گستری، عبدالرزاق وحیدی، به وزارت مخابرات وفن آوری معلوماتی، دلبر نظری، به وزارت زنان، سلامت عطیمی، به وزارت مبارزه باموادمخدر، فریده مومند، به وزارت تحصیلات عالی، نسرن اوریاخیل، به وزارت کار، امور اجتماعی وشهدا وعلی احمدغنمانی، به وزارت انرژی و آب نامزد ومعرفی شده اند. درین فهرست نام وزیرپیشنهادی وزارت دفاع دیده نمی شود.

درین فهرست برای وزارت های تحصیلات عالی، زنان، کار وامور اجتماعی ومبارزه با موادمخدر نامزدان زن معرفی شدهاند. تاکنون تنها هشت عضو کابینه از مجلس رای گرفته اند. بجز ازیسیدسعادت نادری که بارپیش به وزارت کار و اموراجتماعی معرفی شده بود، همه نامزد های پیشنهاد شده افرادجدید هستند. این وزیران پیشنهادی تنهایک روزپس ازسفراحمدزی وعبدالله به امریکا اعلام شده اند.

محمدنظیراحمدزی، معاون مجلس نمایندگان گفت نام این افراد ومدارک شان بصورت رسمی روزدوشنبه به مجلس تسلیم داده خواهد شد ومجلس سه روز نیاز دارد تامدارک آنها رابرسی کند. مجلس بازهم بصورت جدی بررسی خواهد کرد که آیدرمیان نامزدان جدید افراد دارای دو تابعیت هستند یا نه. (امید : قرارخبر منتشره طلوع نیوز، نامزدوزارت اطلاعات وفرهنگ، عبد الباری جهانی، درهمین چندروزاخیرتذکره تابعیت رابدست آورده است .)

خودکشی یک سگ پس از مرگ چوپه اش

۲۲ مارچ : رسانه های چین اعلام کردند یک سگ ماده پس از مرگ چوپه اش، دست به خودکشی زد و مرد ! یکی ازروزنامه های چاپ چین نوشت این سگ بابربدن از یک ساختمان بلند در منطقه ژبزی، در ولایت گوانگ دونگ، دست به خودکشی زد، چراکه براساس اعلام صاحب این حیوان، چوچه این سگ دو روز قبل بدلیل بیماری مرد واین سگ بخاطراینکه تحمل مرگ چوپه اش رانداشت، به این کار دست زد. درگزارش خبرگزاری شینهوا - خبرگزاری نیزآمده : بنابه اعلام شاهدان، این سگ دبروزپس ازبالارفتن از یک ساختمان پنج طبقه، و سه دقیقه زوزه کشیدن، خودرا به پایین پرتاب کرد و جایجا مرد . (امید : تاریخ وقوع حادثه روشن نیست اما دردوسه هفته اتفاق افتاده است.)

افغان مینې مارکیت عرضه کوننده انواع مواد خوراکه وطنی

یگانه مغازه افغانی در منطقه واشنگتن بزرگ

که تازه ترین موادخوراکی، انواع میوه های فصل، نان های تازه وطنی، روت ها، میوه های خشک تازه وارد ازافغانستان، وگوشهای تازه مرغ، بره، گوسفند، گوساله و گاو را با بهای مناسبیت تقدیم میکند ارسال پول به تمام دنیا بزودترین فرصت با

Western Union

6566 Backlick Rd.Springfield, VA 22150
Tel:703-644-0186 Cell:703-499-3313

نلدانی هیئت زنان افغان در سفر واشنگتن

آگاهان افغان وامریکا ازچگونگی اوضاع درهم وبرهم سفراحمدزی وعبدالله وهیئت همراه شان خبرداده، موجودیت هفت بانو را در زمره هیئت ارزشمند شمرده اند که عبارتند از: خانمها حبیبه سرابی، سیما سمر، نرگس نهان، کامله صدیقی، عادلہ راز، مریم و لینا علم . بخشی ازین جمع بشمول حبیبه سرابی و سیما سمر دردیدارزعمای افغانستان و وزیران خارجه ودفاع ومالیه امریکا، در کمپ دیوید حضورداشتند، امابرخی دیگرنرفتند یارفته نتوانستند . روزیعد بعضی ازین هادر مراسم بزرگداشت ازدوشیزه فرخنده، که ازسوی تعدادی از زنان ودختران افغانی مقیم واشنگتن بزرگ، دربرابر کاخ سفید برگزارشد، سهم گرفتندوبادیگران به یادفرخنده شمع روشن کردند.

این خانم ها که درمروفتیرین هو تل پانتخت امریکا (هو تل ویلارد) اقامت داشتند، شام روزیعد دردعوت جان کری وزیرخارجة امریکا حاضرنشدند، وبه اصطلاح یکی از آنان، بخاطر اجازه ندادن آنها برای اظهار بیانات درجریان مذاکرات رسمی (اعتصاب) براه انداختند. جان کری بخاطر این هفت خانم، از بانوان سرشناس امریکا که درامور خیریه همیشه سهم میگیرند نیزدعوت کرده بود تا باخانمهای افغان آشناشوند و احیانا درپروژه های مختلف بوپژه برای زنان افغان کمکهای خود را ارائه بدارند. وقتی جان کری اسم هریک ازخانم های افغان راخواند وازیک یک شان خواست به پایابستند تامدعوین باهریک شان آشناشوند، هیچ خانم افغان شامل هیئت حضور نداشتند وجان کری بشمول مهمانانش (احمدزی وعبدالله) باحیرت زیاد از نیامدن خانم ها شرمنده شدند !!! اگرزنان جوان شامل هیئت باپروتو کول چنین سفرها آشنایی نداشتند باکی نیست، اما توقع نمی رفت زنی مشتهری مثل سیما سمر که باسابقه سیزده ساله وزارتها وریاست مستقل سازمان حقوق بشر افغانستان شهره عالم شده ! وبه بسی از سفرهای رسمی همراه با رئیس جمهور سابق رفته است، میدانست که دردیدار های رسمی روسای جمهور، حتی وزرای خارجه دولت مهمان ودولت میزبان، سخنرانی نمی کنندواین فقط زعمای دوکشوراند که بیانیه میدهند. البته در جلسات کاری بین هیئت مهمان ومیزبان هر شرکت کننده بقدر معلومات وتوان خویش ابرازنظر مینمایند.

پس سر دسته هیئت هفت نفری زنان همراه بااحمدزی وعبدالله، یعنی سیما سمر، رئیس مستقل وشهره سازمان حقوق بشرافغانستان ، دراین سفر، بنابه سابقه و سابقه راوایی که داشته دارد، با (اعتصاب اقلایی) خود، اسباب شرمساری کل هیئت افغانی رادرواشنگتن دی سی بار آورد. فاعتبروا یااولی البصار (امید)

راهپیمایی در بلخ برای آزادی ۳۱ گروگان هزاره

۴ اپریل /مزارشریف -بی بی سی: صدها نفر در شهر مزارشریف در راهپیمایی اعتراضی خواستار اقدام جدی دولت برای آزادی ۳۱ گروگان هزاره ازجنگ گروگانگیران در ولایت زابل شدند. عباس ابراهیمزاده، نماینده ولایت بلخ در مجلس نمایندگان درجمع معترضان گفت موضوع تنها گروگان رفتن ۳۱ نفر هزاره نیست، بلکه در دوماه اخیربیش از ۶۰ نفر ازین قوم در مسیرهای مختلف در کشور اسیر یا کشته شده اند. اگر آنها آزادشوند ودولت امنیت راهبارتامین نکند، مردم مابه حرکت های مدنی خود ادامه خواهندداد، تا پای ارگ خواهندرسید و خواهان استعفا ی رئیس جمهورخواهند شد. قنبر معترض دیگرگفت: هدف تظاهرات [اعتراض به] بی عدالتی ویی امنیتی وآزادی ۳۱ نفر بود که دولت در مورد آنها سکوت اختیار کرده است. نمایانم سکوت دولت برای چیست. ماری دادیم که عدالت تأمین شود. این تظاهرات ادامه دارد تا رد ۳۱ نفر معلوم نشد. اوافزود گروگانگیران بصورت مشخص مسافران هزاره رابه گروگان میگیرند. عزیزالله وحدت دیگر معترضی سکوت دولت درقبال ۳۱ گروگان هزاره را ننگین ومرگبار خواندو گفت گوش دولت نسبت به اعتراضهای مردم کراست. سه روز پیش صدهاتن درشهر بامیان هم نسبت به نامشخص بودن سرنوشت ۳۱ گروگانیکه روز چهارم حوت /اسفند در منطقه شاهجوی ولایت زابل به گروگان گرفته شدند، تظاهرات کردند. این مسافران ازقندهار عازم کابل بودند که از سوی گروگان گیری که ناشناس خوانده شده اند، از اتوبوس پیاده و به محلات نامعلومی منتقل شدند. تاحال ازسرنوشت آنها اطلاعی در دست نیست وبهمین دلیل اعتراض های گسترده در میان مردم، رسانه ها وشبکه های اجتماعی علیه حکومت وحدت ملی افغانستان مطرح می شود. هرچند حکومت گفته که در تلاشند گروگانان را آزاد کنند، اما این اظهارات ظاهرا قناعت معترضان رافراهم نکرده است .

دودسته آدم ربایان دستگیر شدند

۱۲ اپریل /کابل -باختر: مؤظفین امنیت ملی در تداوم مبارزه جدی برضد جرایم سازمان یافته، دو گروه آدم ربا که تعدادشان به ۵ تن میرسد، از ولایات هرات وننگرهار بازداشت ودوظفل خردسال را ازجنگ آنان آزاد و به خانواده های شان تسلیم کردند. مؤظفین امنیت ملی در عملیات مؤفقتانه دیگر یک مخفیگاه مهمات تروریستان را از ناحیه ۱۴ شهر هرات کشف وضبط کرده است.

نامردان خشمگین زنی را در کابل سوزاندند

۱۹ مارچ / کابل -بی بی سی: مقام های امنیتی در کابل می گویند که مردان خشمگین در مرکز شهر کابل، یک زن را که گفته شده قرآن را آتش زده بود، کشتند وبعد جسدش را سوزاندند. در ساعت نخست این حادثه، صالح محمد، فرمانده یکی از حوزه های امنیتی گفت: حادثه زمانی روی داد که یک زن، نسخه ای از قرآن را به آتش کشید و ده ها تن از رهگذران با سنگ و چوب به او حمله کردند و او را کشتند. او گفت که پلیس در محل نتوانسته مانع اقدام مردان خشمگین شود . چند ساعت بعد تر، صدیق صدیقی، سخنگوی وزارت داخله گفت مقام های امنیتی هنوز دقیقاً نمی دانند چه چیزی باعث کشته شدن این زن شد. حادثه عصر پنجشنبه ۲۸ حوت / اسفند در نزدیکی مسجد شاه دوشمشیره در مرکز کابل روی داده است.

تلویزیون های خصوصی در کابل تصویری از جسد سوزانده شده این زن را منتشر کرده اند. ویدئو هایی از جریان لت و کوب و سپس سوزاندن جسد این زن در شبکه های اجتماعی به ویژه فیسبوک به شکل گسترده ای همرسانی شد. در ویدئوها دیده می شود که پلیس کاری انجام نمی دهد. یکی از شاهدان عینی که در محل حادثه حضور داشت گفت: آنها او را لت و کوب کردند و کشتند بعد جسدش رابه رودخانه (بستر خشک رودخانه کابل) انداختند و سوزاندند. آتش نشان ها بعداً آمدند و آتش را خاموش کردند و جسدش را بردند. تلویزیون طلوع به نقل از خانواده زن کشته شده گفت نامش فرخنده است و در ۱۶ سال گذشته مشکل روانی داشته ، اما او قصد سوزاندن قرآن را نداشت . شمار زیادی از کاربران افغان حادثه امروز را محکوم کرده اند.

نام نوزادی را در غور فرخنده گذاشتند

۲۵ مارچ /فیروز کوه -بی بی سی: مادری در ولایت غور نام دخترش را که امروز ۵ حمل /فروردین در شهر فیروز کوه، مرکز این ولایت بدنیا آمد، فرخنده گذاشت. غنچه گل، مادر وسعد الدین، پدر این دختر گفتن به نام فرخنده افتخار میکنند. این خانواده در روستای الله یار در حدود ۵۰ کیلومتری شهر فیروز کوه زندگی می کنند. مراسم نامگذاری نوزاد در شفاخانه مرکزی ولایت دور افتاده و کوهستانی غور انجام شد.

درین مراسم شماری از فرهنگیان و فعالان مدنی غور نیز شرکت کردند. سعدالدین گفت این نام را به خاطر مطلوبیت فرخنده که به شکل فحیعی در کابل کشته و سپس جسدش سوزانده شد، بردخترشان گذاشته اند. او میگوید: جنایتکاران فرخنده را در کابل به شهادت رساندند. حال که دختر من به دنیا آمده نامش را فرخنده گذاشتیم که [این نام] از بین نرود و همیشه زنده باشد. مادر فرخنده کوچک زیاد حرف نمیزند و در پاسخ به این سؤال که چرا این نام را انتخاب کرده، فقط می گوید: به خاطر کابل !همزمان بانامگذاری این کودک، دهاتن از اهالی غور نیز بایرگزارای مراسم ختم قرآن برای شادی روح فرخنده دعا کردند و از دولت خواستند تا عاملان قتل او را محاکمه کند.

قتل فرخنده با سنگ و چوب و سپس سوزاندن جسدش، واکنش های زیادی رادرقاط مختلف افغانستان برانگیخت و باز تاب جزئیات این حادثه از طریق رسانه ها وشبکه های اجتماعی، فرخنده را تبدیل به نمادی از مبارزه باخشونستی کرده که به بهانه دفاع از ارزش های دینی اعمال می شود. در کابل مردم و فعالان مدنی در محلی که فرخنده سوزانده شده بود، نهال کاشتند و امروز نیز در آن جایرجمی برافراشتند. کار ساخت بنای یادبودی نیز در این محل آغاز شده است.

WORLDWIDE TRAVEL INC.

CHEAP AIR FARES TO

KABUL

FROM ALL U.S. CITIES

DUBAI EUROPE PAKISTAN

MAJOR AIRLINES AND BEST CONNECTIONS

866 977 9015

PROTECT YOUR WORLD

AUTO • HOME • LIFE • RETIREMENT

AF Insurance Group

(703) 348-6247

13044 Fair Lakes Shopping Center

Fairfax Virginia 22033

abdulfitrat@allstate.com

We speak Farsi, Pashto, Urdu/Hindi and Arabic.

You're in good hands.

Auto Home Life Retirement

Insurance and discounts subject to terms, conditions and availability. Allstate Property and Casualty Insurance Co. Life insurance and annuities issued by Lincoln Benefit Life Company, Lincoln, NE. Allstate Life Insurance Company, Northbrook, IL, and American Heritage Life Insurance Company, Jacksonville, FL. In New York, Allstate Life Insurance Company of New York, Hauppauge, NY. Northbrook, IL. © 2010 Allstate Insurance Co.

يادداشت مدبر
انتشار اميد ان شاءالله ادامه مي يابد
بانام ايزدپاک و توکل به ذات مهربانش، شمارهٔ آيندهٔ اميد(۹۹۶) آغازيست وچهارمين سال انتشار آن است، بدین مناسبت خجسته خواستم به اطلاع خوانندگان عزيزو گرامي برسانم که پس ازنظر خواهي ازعهدهٔ علاقمندان اميد، ونيزبنابه توصيهٔ ريش سفيدان دوستدار جريده و همکاران عزيز، به شرط حيات واعطای توان از جانب ذات پاک پروردگار به اين بندهٔ عاجز، تاوقتي که نصيب باشد وشيمةٔ ناپ و مطيعه رفتن وغيره، وحمايت و دستگيري علاقمندان جريده باخودداشته باشم ببعون الله تعالی به چاپ اميد ادامه ميدهم .

امداد مالي و پشتیبانی پولی عزيزان علاقمند، بنيادی ترين عامل ادامهٔ کار اميد است، از کليه عزيزان ميخواهم تا برای تداوم چاپ اميد ودر شروع سال ييست وچهارمين آن، درحد توان تحفهٔ تولد گونه، برای دستگيري از اميد، اعانه ومدد پولی ارسال فرمايند. اين تقاضا برای دريافت اطمینان از تأمين مخارج اميد صورت ميگيرد. آرزومندم تا از اين ندای صميمانه پاسخ های مهربانانه بگيرم . نسبت چاپ دومصاحبه و سه مضمون مفصل، يادداشتم رابه پايان ميسرم، وانتشار چندمقالهٔ دوستان رادرشمارهٔ بعدي وعده ميدهم.
محمدقوی کوشان

مسلمان ومترقی، هنوزهم اين ملت جاهل وديبخت دستها و پهای شان بازتجبر و زولانهٔ يك دين کاذب ودور ازاسلام حقيقي بنسته شده است. هنوز تعويد و شويست، استخاره وفال بينی، جادو و سحر علايم تشخيص اين عقیدهٔ سحيق وغيراسلامي روحانيون وملاهای جاهل وچاپلوس اين سرزمين ميباشد .

امروز کشورهای زیادی درجهان وجوددارند که غريب، یتو، محروم از نعمت علم ودانش بوده وحتی زیراسارت ممالک خارجی دست وپا ميزند، اماهيچ کشوری رادرجهان سراغ ندارم که اينقدر درام شيادان يک عقیدهٔ کاذب و دورازاسلام حقيقي برای اين مدت دراز به زنجير اسارت کشيده شده باشند. مذهبيونی که قرآن ميخوانند اما معنی آنرا نمی دانند، وبابه نفع خود تعبير غلط ميکنند واز آن استفادهٔ سياسی واقتصادي ميبيرند، روحانيون نامتهادی که دزدی و زنا ميکنند وهنوزهم عقيده دارند که اگر نماز بخواند گناهان شان بخشيده شده و به بهشت ميروند، کيفيت مغزهای اين مسلمانان کاذب از ظرفيت مغز پرندگان کمتر است، اما درشيدای، رهزنی وثروت اندوزی ازراه نامشروع شهرهٔ آفاق می باشند. يکی ازخاصيتهای اين شيادان دين کاذب اينست که باحکمرويايان عصر خود زندگی باهمی دارند، يعنی يکی توسط ديگری تعذيب ميشوند.

درصفت رهبران حکومت نوشته اند : سلطه گری راگفتند چه خوردی؟ گفت گوشت ملت ! گفتندچه پوشیدی؟ گفت پوست ملت ! گفتند اينهارا ازچه راهی بدست آوردی؟ گفت ازجهل ملت!گفتند ازجهل ملت چگونه نگهداری ومراقبت ميکني؟ گفت درجعبهٔ طلايی تقدس ! بل ! همين صندوق طلايی تقدس جعلي وغلط است که شهرت اسلام حقيقي ودین برانزدهٔ را صدمهٔ شدیدی رسانده است. همين طریقهٔ کاذب است که چون شعبدهٔ دردست سياستمداران افتاده وتروريستهای اسلامي ازليبيا تاसوريه واز عراق تاپاکستان وافغانستان جهان اسلام حقيقي را لکه دارنموده اند. درطول صد ها سال مليونها فرد بيگانه ازعربستان تاافغانستان وازسوريه وعراق تاتهران قربانی همين شيادان دين کاذب شده اند. فرخنده يکی ازين قربانی هاست .

مسألهٔ مردم عوام و دين دلچسپ است. عالمی ميگويد: دين ازنظر عوام يک حقيقت است، درنظر مردم عالم وروشنفکر جيزيست کاذب، امابرای سياست مداران وحکمرويايان وسيلهٔ مفيدی بکارميرود. درافغانستان خصوصاً امروزعقاييد غيردين مقدس اسلام مردم را هيبنو تيسم کرده است . بايدبن صحنه های خونين قتل فرخنده لحظاتی بفکر فرورفتم وباخودگفتم که : تعويد، طلسم، شويست، استخاره، فالبينی، افسونگری، جادوگری، اکسورسيزم(کشيدن ارواح خبيثهٔ يا جن از وجود و مريضان)،نيرنگ وديني به اشکال مختلف دراضافه از هزارسال به اينطرف درپهلوی اکثر اديان بشمول دين مقدس اسلام ديده شده اند. درکشورهندوستان درين بعضی شاخه های دينی معمول اينست که وقتی شخصی مرتکب گناهی می شود، بانوشيدن مقداری از ادراک گرم وتازهٔ گاو، خدايان گناه اورا می بخشد. اما دراکنروحامع بشری باوجودیکه اينهم مزخرفات درکناردين جاگرفته وياجزء دين قلمدادشده است، دهشت وشراستی که عقیدهٔ کاذب ودور ازاسلام حقيقي درافغانستان روبکار آورده است، درهيچ جایی ديده نشده است . علت آن چه خواهدبود ؟

قتل فرخنده ازحقايق پرده برميدارد : احصائيه های اخيرجهانی نشان داده که امروزبدترين کشورجهان برای زندگی افغانستان است. علل سقوط عرفانی، مدنی واخلاقی افغانستان درچندنکتهٔ مهم نهفته است، فقط کفايت ميکندبرای فهميدن اين نکات، مصاحبهٔ شاه امان الله و ملکه ثريا بدقت خوانده شود وصحنهٔ جنايت قتل فرخنده اززديک تحليل گردد :

اول اينکه: امروزافغانستان بچيت بدترين سرزمين برای زندگی انسان به مرض عومی ييسودی وفتدان معارف مبتلاميباشد. درصحهٔ قتل فرخنده گفتارچند پسر جوان، اظهارات ملايی مسجد، اعضای پارلمان وبعضی اراکين دولت به اين ادعا گواهی ميدهند. جنايتی که درحق فرخنده شده، از ديگرجنايات کاملاً فرق دارد. اين جنايت ازطرف مردم عوام، ملا واعضاي پارلمان وبعضی اراکين بلندرتبهٔ دولتی تايد شده است. ادارهٔ بي بي سي اخيراًاعلام کردکه درآزمون امسال درافغانستان ۱۱۸هزارمحصل موفق شده، ييش از۵۴هزارنفر به مراکز آموزش عالی دولتی راه يافته اند، گزارش علاوه کردکه امروزدرافغانستان ۳۲۲دانشگاه دولتی و ۸۲دانشگاه خصوصي درسرا سر کشور وجوددارد. دراخير راپور اقرارميکند که افغانستان يکی از کشورهایی است که کمترین سرمايه گذاری رادرزمنيهٔ آموزش داشته است (مأخذ: اميدشماره ۹۹۴-صفحهٔ اول)
سؤال من اينجاست : * بانداشتن پول وسرمایهٔ کافی، چطوراين کشورفقير ضروريات ۱۱۴دانشگاه رابر آورده ميسازد ?
* اينهمه دانشگاهها ومکاتب اگر بخاطرنايش نيست، وسايل و کتب تدريسی، معلم خصوصاً درين دانشگاهها از کجا تهيه ميشود؟
* آياحکمرانان اين کشور ووزيرمعارف آن و ۱۱۴ارئيس دانشگاه معيار وستاندرد يک دانشگاه رامی دانند؟

به عقیدهٔ من وآنهايکه اززديک سويهٔ تعليمی افغانستان رامطالعه کرده اند، حقيقت دارد که بگويم : همه جادکان رنگ اين همه رنگ ميفروشند ! حقيقت امرآنست که عکس العمل مردم عوام، مذهبيون واعضای پارلمان و ارکان عالی کشور، اينهمه طمطراق سويهٔ علمی کشوررا درحادثهٔ قتل فرخنده تايد نمی کند. اين فقر علمی ومعارف سرتاسری (دنباله درصفحهٔ پنجم)

پروفسرداکتر حميدهادی

قتل دختر جوانی که مردم بلوچدان را تکلان داد
چندروز قبل خبر تکلان دهنده وتأثرانگیزی راشنيدم، وآن ازين قرار بود که دختر جوانی بنام فرخنده، که علوم دينی راآموخته بود، و خانواده اش بر فضيلت، اخلاق وخداپرستی او گواهی ميدادند، ازطرف يکعهده مردم کابل، بطور وحشيانهٔ به شهادت رسيد. راپوراين مصيبت حاکی ازآن بود ک فرخنده بعدازادای نمازدرزيات شاه دو شمشيره(رح)، بامجاور ياملايی که درآنجابرای خاتمی دربند پول تعويد داده بود، داخل مباحثه واستدلال شده وعمل مجاور زيارت را غيراسلامي تلقی کرده بود. مجاوروزيارت باشنيدن استدلال دختر جوان باقهر وغضب زياد درروی جادهٔ کنارمسجدشاه دوشمشيره بافرياد به مردم اعلام کرد که اين دختر قرآن مجيد راآتش زده است! باشنيدن اين صدا، يکعهده مردم رهگذر بدون تحقيق درمسأله، چون دستهٔ حيوانات درنده (بيخشيديه حيوانات اهانت کردم)، که خاصهٔ مردم ابتدای ووحشی صفت ميباشد، برسر و روی اين دختر مظلوم ريختند، ابتدا هر کدام بامشت ولگد وسنگ وجوب اورابه قتل رسانده بعد يکی از آنهاموثری راروی جسد او گذشتانده وبعد جسد را در دريای خشک کابل پرتاب وآتش زدند .

بنابر پيشرفت تکلانوی و آمدن انترنت وديگروسايل، اين جنايت دلخراش بر خلاف قتل وقتال گذشته ها پرده پوشی نشد. فوراًعکس ها وويديوهای صحنهٔ جنايت بصورت مفصل درسراسرجهان پخش شد و بيرحمی انسانهای وحشی قرن ييست ويکم به اطلاع جهانيان و انسان های مدنی رسانيده شد، و همه رامتجبر و بهت زده ساخت . من از جملهٔ چندين عکس وويديو صحنهٔ جنايت مردم کابل چندقطعهٔ محدودآزآرآيدم وبه بعضی ويديوها گوش دادم .ابتدا درجلو کمره بادوجوانی مصاحبه شد که دست خويند درين جنايت داشتند. اولی در حالیکه خنده ميکرد گفت: (چون همه اين دختررا ميزدند، من هم نزديک رفتم ودوسه لگدمحکم درشکم، پشت وشکمش زدم). جوان دومی گفت: (من چند مشت سخت برسر وروی و گردن او کويدم وملفتف شدم که ازسختی ضربه دست خودم را درد گرفت، فکرميکنم از کارخودپشيمان باشم).

بعد درويديوی ديگری ملايی مسجدخيرخانه رآيدم که طورمعمول برای اينکه خودرابرائت دهد، تلاوت قرآن شريف راگذاشت وبعد به سخن آغاز کردوباموعظهٔ ازمجاور ياملايی مسجدشاه دوشمشيره حمايت نموده وقبل از تحقيقات درين جنايت، فتوی خودراصدادر و قتل دخترمعصوم رايک عمل مشروع دانست. نطقا هادرين واقعهٔ دلخراش حمايت يکعهده ازاعضاء پارلمان افغانستان واراکين دولت را ازمجاور ياملايی زيارت اعلام کردند. دراخيربه ويديويی نظر انداخته وبه گفتار جوانی که درحدود ۲۵/۳۰سال داشت، گوش دادم. اين جوان که محل اقامتش معلوم نبود، درروی چمنی آتش افروخته در حالیکه قرآن مبارک رادرست داشت، صفحات آنراپاره کرده وبرروی شعله های آتش ميناداخت وجين ميگفت: (فرخنده ! اينهم به يادبود تو! من حالا صفحات اين کتاب معمولی راميسوزانم. فرخنده ! اين کاررا بخاطر تو ميکنم). خوانندگان ارجمند اميد ! من قبل از تبصره و اظهارنظر خود براين ترازدی و جنايت بزرگ ميخواهم يک سندمهم تاريخی را که قبلاً نشر نشده است، برابتن تقديم کنم . تقريباً يکماه قبل دوست عزيزی دو ورق اسنادتاريخی را که يکی از نزديکانش ازجرمنی برايش فرستاده بود، برای مطالعهٔ من برای روان کرد. بسياری از نکاتی که درين سندتاريخی نوشته شده، ارتباط مستقيم باقتل فرخنده دارد. در سندتاريخی چنين نوشته شده: (گفتگوی شاه امان الله که تاکنون نخوانده ايد. اين مصاحبه در کشتي (ملتان) توسط يک ژورناليست آلمانی انجام شده است.اين کشتی راشاه امان الله رابه تبديد بدرقه می کرد. درين مصاحبه اولاً ملکه ثريا لب به سخن ميگشايد وميگويد : اگر درد والم شوهرم رافرايش نبخشم، بايدگويم که من اين سقوط را پذيرایي ميکنم که بالاخره بمن دوباره آزادی راعطائود. کسی نميتواند تصور کند که من درافغانستان چه راتحمل می کردم. پدرم رهبر يک قوم سرحدی افغانی بود ومادرم يک سوريه بی استی و من در دمشق بزرگ شده ام. هنگامیکه من از يک فضای روشنفکری دمشق به کابل آمدم، نميتوانستم خودرابا شرايط افغانستان وفق دهم. افغانستان يک کشور خشن وصعب العبور وغير دوستانه است و شهروندانش باخشونت بی سابقه همراه اند. فقط عشق من به شوهرم و خاطرات فراموش ناشدنی وشاد دوران جوانيم مراکمک کردندتا ضرايت سرنوشت راتحمل کنم.)

شاه امان الله ميگويد: (من يک خيالياف ويی پروا نيستم، من می خواستم باآنان (ملاها) راه مصالحه رادرپيش گيرم، اما آنهاينی خواستنداز هيچ نوع نيوآوری بشنوند، حتی بهبودضروری ترين وسايل تخنيکی رانمی پذيرفتند، مثلاً تلفون راجييت کشف شيطان رد می کردند. دلايل من درمورد خطوط تلفون درشهر های مکه ومدينه به دليل اينکه درآنجاها اسلام تحريف شده است رد می شد! شفاخانه نميتوانستم اعمار کنم چون يگانه حفاظت برابربرمريضها تعويد (شويست) مطرح بود. ماليات منظم رانمی خواستند برسमित بشناسند چون برضد اوامر خداوند پنداشته ميشد ونظربه برداشت آنها خداوند چنين چیزی را حکم نمی فرمود. برضدمقررات من در مورد پاسپورت وتذکره به گونهٔ شديدبارزه می شد، برای اينکه مردان بايدعکس ميگرفتند طوریکه در تمام دنيا معلوم است. علماً(ملاها)ميگفتند کسيکه ميگذازدعکس گرفته شود، درطرف بکسل، يکماه ياکروزميبيرد! !کثراً مردم به نواحی پليس ميا آمدند و پيشهادميکردند که برای آنهاخوشآبندتراست تا پنجاه شلاق بخورند تا عکس آنان گرفته شود. تحت چنين شرايطی بايد مبارزه صورت ميگرفت. من اولتربايداردوی قوی واردوی قابل اعتماد ميساختيم. اما ساختن يک اردوی قوی هزينه ميخواست. در يک کشورنادار مانندافغانستان اين هزينه را از کجاميگرفت ? بهرحال آرزومندم که حدا کثر بعداز يکسال دوباره به خواست مردم افغانستان در کابل باشم .)

خوانندگان عزيز ! شاه امان الله وملکه ثريا صددسال قبل عوامل بدبختی افغانستان رابوضاحت ذکر کرده اند، خصوصاًمداخلهٔ دينی که از دين اصلی و مقدس اسلام کاملاً تفاوت دارد، دزلابلايی اين مصاحبه به درستی احساس می شود. ملکه ثريامثل زينب خانم يا بی بی گل جان امروزی نبود، ملکه ثريابخانی دانشمندوروشنفکرو دو يد طولای درقوانين قرآنی داشت. اواهميشه روحانيون نامتهاداسلامی را چلنج ميداد وبه مبارزه دعوت ميکردتادر تفسير وتحليل قرآن مجيد باواستدلال نمايند، اما ملاها مثل امروز که از مجالس چنهای علمی در رابطه با دين فرار ميکنند، حاضر نبودند باملکه ثرياوشاه امان الله مباحثه کنند. آنچه مسلم است اينکه باگذشت صددسال ازسلطنت آن پادشاه (دنباله در ستون اول)

افغان فونديشن تقديم می کند :

داکتر عزيز غوثی : تاريخ افغانستان از ۱۹۱۹ تا ۱۹۳۳
با سرنوشت هفت پادشاه ما
برای خوانندگان اميد : ۲۵ دالر (شامل هزينه پست)
The Afghan Foundation, 2242 Peak Place, Thousand Oaks, CA 91362
Telephone: 805 241 0780

فرهاد ميرزا
احمدزی نظير کاکای شان قيوم خان کوچي. خواهان عذرخواهی واعاده حقوق وحیيت برادران طالب شان شده اند !

نخست برروان پاک خواهر شهيد نامراد ما فرخندهٔ عزيز که قربانی جهالت يکعهده از مردان لابلای وييجر از دين و آيين پاک اسلام شده، اتحاف دعاميکنم، واز پروردگار عالم برای فاميل محترم وستمديده اش و کافهٔ مردم افغانستان صبر جميل وجزبل التجا می نمايم .

سفر احمدزی و عبدالله به امريکا، که بارتئيس جمهور اوباما ملاقاتی داشتند، ودر کانگرس امريکا احمدزی يانابهٔ ايراد کرد، که ازارزش خاصی برخوردار بود. گرچه رئيس جمهور اوباما ماهاپيش موافقه کرده بود که حدودده هزاربا کمترسربازامريکا برای تريبه ومشورهٔ عساکر و پليس ما تا آخرسال ۲۰۱۵ در کشورماباقي خواهندماند، اما در اين مذاکرات او رسماً اين راتاييد کرد. همچنان درمذاکرات اوباما قبول کرد که مصارف ۳۵۲هزارعسکر و پليس افغانستان راتا سال ۲۰۱۷ که درحدود ۵/۴ بليون دالر تخمين ميشود، خواهدپرداخت. اما او اين راهم خاطر نشان ساخت که تا پايان زعامتش همه عساکر امريکا را ازافغانستان خارج خواهدکرد.

بايد گفت که يانابهٔ احمدزی در کانگرس امريکا، که بادقت واحتياط کامل نوشته شده بود، به نظر من برای جلب اعتماد ييشتر کانگرس به اين حکومت و دوام کمکهای امريکامخصوصاً متقاعدساختن کانگرس درتصويب ۵/۴ بليون دالرمصارف عسکرو پليس افغانستان، ونيز مبلغ هشتصدمليون دالرجهت انکشاف اقتصادي افغانستان تهيد سپرده است، بسيار موثر بود. انصافاً اين يانابه که با آرامش کامل و بسيار روان ويدون اشتباه ايراد شد، بسيار جامع بود مبينی بر فعاليتهاي حکومت وحدت ملی دربهتر ساختن وانکشاف کشور درامور اقتصادي، اجتماعي وفرهنگی، حفظ حقوق وجايگاه زن در اجتماع و زمينهٔ اشتراک وسهمگيري آناهادر حکومت، مجادلهٔ شديد و مداوم درازين بردن فساد اداري ومساعي اين حکومت درخود کا ساختن کشور دردهسال آينده، تا ديگر دست تکلدی به کشوری دراز نکند، ودر آخرهم موضوع آشنی ومذاکره با طالبان، اگر آنهااز القاعده بيرند وقانون اساسی ومقررات کشوررا قبول نمايند.

البته اين يانابه برای کسی يا کشوری که ازافغانستان هيچ تفهمدو از آنچه اين حکومت (وحدت ملی) در طی هفت ماه کرده بانکرده، اطلاعی نداشت باشد، بسيار جذاب، مطلوب ومطوبع بود. اما برای کانگرس امريکا که در يک ونيم دهه به اصطلاح ازسير تا پودينهٔ ما آگاهی کامل دارند، ودر هر هفته وماهی عدهٔ از سناتوران و کانگرس منهای هر دو حزب به کشور مامسافرت ميکنند، باراکين کشوری ولشکری ما ملاقاتهايی دارندوحتی شايدنظر ومشوره هايی بدهند، واز آن گذشته، هميشه ازمنايع استخباراتی شان از همه عملکردهای خوب وبد آنها مطلع اند، اين يانابه باوجودیکه از آن استقبال فوق العاده شد، که معمولاًچنين نزاکتهايی درمقابل سران هر کشوری مراعات ميشود، يک يانابهٔ پيش بينی شدهٔ سياسی بود،منتها احمدزی باجملات امتنانيه وسپاسگزارانه اش در قسمت کمک های مالی وتلفات عساکر امريکا که قبلاً چنين قدردانی از آنهاصورت نگرفته بود، توانست اعتماد کانگرس امريکارابه حکومتش به مقايسه باحکومت کرزی ييشتر جلب کند .

درپهلوی آن امريکا، که مقصدم ازدمو کراتهاوجمهوريوخواهان است، با ظهور رويدادهای اخير که سواي القاعده وطالبان، گروهی خونخوردیگر (داعش) دراکنر کشورهای اسلامي وازجمله کشور ما عرض وجود کرده ومارا به نحوی تهيدميکند، فکرنمی کنم قصد بر آمدن ازافغانستان راداشته باشند، وباهم همه نارسايی های اين حکومت، درچنين وقت حساس آنهارا تنهايگذارند. واز آن گذشته، منافع سياسی خودشان ايجاب ميکند که باذرنظرداشت اوضاع نهايت حساس وخطرناک منطقه ومعلومدار مصونيت ومنافع ملی وامنيتی کشور خودشان، بازافغانستان لانهٔ افراط گرايان مذهبی وتروريستها نشده وامريکا را تهيد نکند، به خواستهايی غنی وعبدالله در پرداخت مصارف عسکروپليس افغانستان ليک گفتند. اماوعدهٔ کمکهای اقتصادي شانرا مشروط به حسن اداره، ازين بردن فساد اداري و ايجاد برنامه های اقتصادي خود درافغانستان دانستند. فلانمربوط به حکومت وحدت ملی است که چگونه باايفای تعهداتش درهمه موارد مخصوصاً درازين بردن فساد اداري ويک پلان اقتصادي خوب، خودرا مستحق دريافت اين کمک اقتصادي از امريکاميسازد.

البته درست است احمدزی وعبدالله دريانات شان به امريکاجين وانمود کردند که حکومت شان راهی درست رامی پيمايودرهمه زمينه ها اقدامات نيکی صورت گرفته، درحاليکه واقعيت امر اينست که درهيچيک ازساحاتی که خواسته اند کريدت آنرابگيرند متأسفانه کوچکترين قدمی به پيش برداشته نشده وحتی اگر حمل برديبنی اينجانب نشود، به جرئت گفته ميتوانم که نه يکقدم بلکه قدمها به عقب رفته ايم، واگرخود نااييم ودررف اينهمه بی سر وسامانها، ازهم پاشيدگها، قانون شکنيها، خودخواهياها، قومگرايها که مانع ايجادحکومت، انکشاف، بهبوداوضاع واجراي همه امور شده است، اقدامات عاجلی نکنيم، موفقيت چه که دوام اين حکومت رابا خطرات زادمواجه می بينم . احمدزی در مصاحبهٔ با سي ان ان، در پاسخ به اين سؤال فريد زکريا (چرا کرزی در ۱۳سال باوجود کمکهای زياد وامکانات مساعد نتوانست آن چنانکه بايست، مصدري کاری شود؟) گفت: او سيزده سال پيحت خان وملک درافغانستان حکومت کرد. اصلاً از حکومتاری امروزی چیزی نمی فهميد، انضباط اداري نداشت، از کارهامواظيت ومديرت نمی توانست، اشخاصی رابه کابينه ويستهای مهم دولت گماشت که دست به چور وجپاول زدند، وفساد اداري گسترده در کشور حکمفرما شد، بی قانونی وبيعدالتی وعدم رسيدگی به دادخواهی و اجراي کار مردم بجای رسيد که طالبان بعداز سه سال که دراجتماع افغانها حل شده بودند، دوباره بياخاستند ودست به مبارزات سياسی زدند .(!؟)

به جواب اين مغزمتفکر جهان بايدگفت که وقتی طالبها، اين قاتلين مردم افغانستان ومزدوران آی اس آی پاکستان، که توسط قواي امريکا باهمکاری نيروهای مقاومت ملی، از زعامت ننگين شان رانده شدند، از آدرس که آمده بودند دوباره بدانجا پناه بردند. آنهاملتیکه کاکای تان قيوم کوچي ميگويد: (در کوههای افغانستان بالا شدند!) نشدند، واينکه شما ميگويد بعداز راندن آنها از حکومت، دوباره به دهات شان رفتند وزندگی عادی (دنباله درصفحهٔ پنجم)

Omair Weekly
P.O. Box 30818 Alexandria, VA 22310
Tel/Fax : (703) 491-6321 Cell:(571)435-4604
mkqawi471@gmail.com

ناشر و مدير مسئول : محمدقوی کوشان

عبدالودود ظفري
الميدا - کالیفورنیا
باید داعش از ریشه نابود شود
آمریکا باید قوای پیاده به میدان جنگ اعزام نماید
مجلهٔ تایم جاب آمریکا در شمارهٔ ۹مارچ۲۰۱۵ خود گزارشی را بقلم ماکس بووت زیرعنوان بالا به نشر سپرد. نویسنده یک عضو ارشد شورای روابط خارجی آمریکا ومؤلف کتاب(ار تئش نامرئی) میباشد. برگردان فارسی گزارش، پس از یک تبصرهٔ کوتاه، تقدیم میگردد.

مقامات استخبارات امریکا شمار جنگجویان دولت اسلامی(داعش) را تا سی هزار و هواخواهان آنرا تا دوصدهزار تخمین مینمایند. داعش در قسمتهایی از عراق و سوریه مسلط میباشد، اما نفوذ و گروهای وفادار آن در گوشه های مختلف جهان مثل افغانستان، الجزایر، اردن، مصر، یمن، لیبیا، پاکستان، چین و فلپین به درجات متفاوت وجود دارند.

ظهور داعش امنیت جهان را به خطر عظیم روبرو ساخته، عراق و سوریه را به جهنم تبدیل کرده است. تفاوتها و تناقضات مذهبی و نژادی سبب ارتقا و گسترش سریع آن گردیده، بعضی کشورهای متعصب سنی مذهب شرق میانه در دشمنی با ایران و دروا کش به پالیسی سنی ستیزی حکومت عراق و سوریه، بضد مردم بی دفاع یزیدی و شیعه های عراق و سوریه به زشت ترین فجها دست زده و میزنند.اعمال غیرانسانی و غیراسلامی داعش، وجدان بشری راشدیداً جریحه دار ساخته، اختطافها، تجاوزهای جنسی، فروش دختران و زنان، سر بریدن وزنده سوزاندن اسیران، آتش زدن به خانه هاو کوچاندن اجباری وغیره یک امر عادی می باشد. بسیاری ادعای نمایند که در داعش یک نام روپوش بوده، داعشی ها، طالبان و بقایای القاعده همه یکسان میباشدند.
مجلهٔ تایم نوشت که یک گروه طالبان محلی در هیرمند درروز ۲۶جون ۲۰۱۴ وفاداری خود را به داعش اعلان کردو مابعدالرؤوف خادم قوماندان طالبان بحیث معاون رهبر داعش در افغانستان تعیین شد.

بر طبق خبر مقامات امنیتی افغانستان، خادم بتاریخ ۹ جنوری امسال به قتل رسید و حفیظ حمیدی که بجای وی تعیین شده بود، به تاریخ ۱۵ مارچ امسال بانه نقر همراهش در یک حملهٔ هوایی امریکا کشته شدند.

اخیرا طالبان به تبعیت از روش داعش طی یک برنامهٔ از قبل طرح شده، بخاطر ایجاد دشمنی میان سنی هاو شیعه ها، علیه مردم هزاره موقف گرفته، مسافران بیچاره و ییگانه رادر راه سفر از بس هایایان کرده و به جاهای نامعلوم انتقال دادند. این عمل ضد ملی طالبان داعشی، جنگ نژادی ومذهبی را که افغانستان را سالها امن خواهد ساخت، دامن میزنند و این خواست دشمنان منطقوی افغانستان میباشد. گفته میشود داعش بدون حمایت مالی، سیاسی ونظامی بین المللی ومنطقوی قادر نمی شد با این سرعت رشد نماید. کمی پیشتر، یکی از سایتهای انترتئی خبری راپخش نمود که ابوبکر بغدادی رهبر داعش، که زخمی شده بود، به یکی از بیمارستانهای اسرائیل بخاطر تداوی انتقال داده شده است. اگر خبر صحت داشته باشد، نشان میدهد داعش از پشتیبانی قوی اسرائیل، این دشمن تاریخی مسلمانان برخوردار میباشد.

اگر جهان بصورت جدی متوجهٔ جنایات ناپخشودنی داعشیان نشود، و جلو اعمال ضدانسانی آنها را نگیرد، زود باشد که نه تنها کشورهای اسلامی، بلکه اکثریت قسمتهای جهان شاهد ناامنی، ترور، جنگ و جنایت خواهد بود.
تفکر داعشی وطالبی هم اکنون حنادر میان شهریان کابل گسترش یافته که یک خام محببه ومتدین بنام فرخنده، بخاطر اتهام واهی یک ملای نویند نویس مجاور زیارت شاه دوششیر، باسنگ و چوب شکاری نامرد یدانش در یک محل مزدحم قتل رسید، وجسد بیجانش به آتش کشیده شد. این جنایت وجدان انسانی را تکان داد و سرتاسر افغانستان را به ماتم نشانده و واکنش های بزرگ را برانگیخت. اینک برگردان گزارش :

*
*
*
*
رئیس جمهوراوباما طی بیانیهٔ از قصر سفید در ماه سپتمبر ۲۰۱۴ قول داد که داعش را تضعیف میسازد ونابود میگردد. ولی تنها چیزی که تاحال تضعیف شده ونابود گردید، اعتبار امریکا میباشد.

بیش از شش هزار جنگجوی داعشی در حملات هوایی به قتل رسیده، مگر تلفات، باپوستن تخمین یکهزار رزمندهٔ خارجی در همراه به داعش، تلافی می شود. نمایش فلم سوزاندن پیلوت زندهٔ اردنی باآنکه تفرجهانی راعلیه داعش سبب شد، جوانان زیاد مسلمان بخاطر تشکیل خلافت نو، به داعش رو آورده اند.
داعش از توان نمی افتد و حملات محدود هوایی امریکا هم تأثیر چندانی در راندن شان از سنگرها با نهاگاههای شان، بوژه در سوریه، که از شش ماه گذشته ساحهٔ تسلط خود را توسعه داده اند، نداشته است. اگر قرار باشد حملات هوایی موثر واقع شود، باید با تلاشهای قوای زمینی هماهنگ گردد، که تا کنون چنان چیزی وجو ندارند. تنها چیزی که توقع میرو د آتس که جنگجویان پیشمرگ کرد و رزمندگان شیعه مذهب تحت حمایت ایران کاری انجام دهند. ولی نه کردها ونه شیعه هاتوان ندارند ساحات سنی هارا که از فلوچه تا موصل امتداد دارد، با کسایز بدارند و آنرا در قبضهٔ خود نگهدارند. در حقیقت جنگاوران شیعهٔ تشنه بخون، زیر حمایت ایران، همان اندازه که از جنگ علیه داعش امتیاز بدست میآورند، بیشتر از سنی ها در کنار داعش از ساحات جنگزدهٔ خود دفاع می نمایند.
در سالهای ۲۰۰۷و ۲۰۰۸ القاعده پیش قراول داعش، از سوی جنگ جویمان قیایل سنی به همکاری باقوای امریکا از ساحات سنی نشین در شمالغرب عراق کشیده شد. برای اعمال ضربات جدی برداعش، اکنون زنده کردن همان ائتلاف پیروزمند (قوای سنی و امریکا) نیاز میباشد، نه آنکه اوباما بصورت قطع از تعبیهٔ قوای پیادهٔ امریکا در جنگ باداعش امتناع می ورزد. اعزام حداقل قوای زمینی به نفع امریکا بوده تا متحدین ماتشویق شوند، حداکثر مسئولیت جنگ را بدوش گیرند، فرستادن سه هزار سرباز به ساحه که اجازهٔ خروج از پایگاه خود را ندارند، یک تصمیم غیر موثر وی نتیجه میباشد. اگر قرار باشد امریکا در جنگ بضد داعش توفیق حاصل کند، باید غل و زنجیر پا گیر را که به خود تحمیل کرده است، رفع سازد.

در صورتی که از اعزام قوای زمینی بخاطر راه اندازی عملیات فقط حرف زده شود، چسان میتوان از پیشروی داعش جلوگیری کرد. این یک نوع حماقت میباشد که به داعش فهمانده شود که از قوای زمینی امریکا که در روی جهان بهترین قوه میباشد، واهمه وهراسی نداشته باشد !

تخمین واقعی که چه تعداد قوا باید فرستاده شود، رقمی در میان ده هزار تا بیست هزار میباشد. قوانین جنگ که تحت آنها عملیات صورت میگیرد، به اندازهٔ شمار قوا در جنگ دارای اهمیت میباشد. بسیار لازمست که مشاورین و کنترلرهای هوایی قادر باشند در خط اول جبهه باقوای محلی در عملیات اشتراک ورزند. راه اندازی این فارمول سقوط زود هنگام طالبان رادر خزان سال ۲۰۰۱ ممکن ساخت.

بر علاوه اعزام مشاورین در پهلوای افراد حمایتی که آنها را حفاظت و پاس داری کنند، ما باید قوای خاص عملیاتی را از بخشهای مختلف نظامی هم بفرستیم که داعش را هدف قرار دهند. چنانچه وقتی از آن علیه القاعده در عراق بصورت موفقانه استفاده نمودیم. زمانیکه هواپیماها بمب پرتاب میدارند، مردم راضی کشند، تنها کوماندو هایی می توانند دهشت افگنان (دنباله در صفحهٔ ششم)

ریاست اجراییه به توافقنامهٔ سیاسی پایند است. جانب مقابل نیست !



کوشان: جناب داکتر مجیب الرحمن رحیمی، خیلی خوشحالم که شما را پس از سالیان دراز، دوباره می بینم. شما همیشه دروسایل ارتباط جمعی کشور حضور دارید، ومطالب عمدهٔ مربوط به ریاست اجراییهٔ حکومت وحدت ملی را اعلام و در مصاحبات شرکت میدارید. من هم پرسشهایی را از آدرس تعدادی از هم میهنان مقیم امریکا به شما راجع می سازم که البته بیشتر گله آمیزاست، زیرا انتظاری که از مقام ریاست اجرایی دارند، بخاطر علاقمندی واحساس اعتباری که نزدشان موجوداست.

پرسش اول اینست که طبق موافقتنامهٔ سیاسی، هر دو مقام ریاست جمهور و ریاست اجراییه مسئولیت وصلاحیت مساوی دارند، در تأخیر تکمیل کابینه هر دو علی السویه مسئولیت دارند. بارها از زبان شما شنیده شده که همیشه لیست جانب شما تکمیل وحاضرو ده، و طرف مقابل تأخیر وتعلیل کرده. بنابر همان صلاحیت ومسئولیت کاملاً مساوی هر دو جانب، چرا داکتر عبدالله تالاین حد صبر کرده، در حالیکه نزدیک به هفت ماه از تشکیل حکومت گذشته وما کابینهٔ فقط با هشت وزیر داریم ؟

داکتر رحیمی : من هم خوشحال هستم که بعد از یک دورهٔ طولانی دو باره شمار از نزدیک ملاقات میکنم، و واقعاً به شما وبه حوصلهٔ تان ادای احترام میکنم که عمری است امید را زنده نگهداشتید، وبه هم وطان عزیز ما که در بیرون از افغانستان هستند، مصدر خدمت میشوید. طبیعتاً رابطهٔ ما با امید یک رابطهٔ تاریخی وفکری است، در دورانیهای بسیار حساس وسرنوشت ساز مملکت ومردم افغانستان بخصوص وقتیکه مقاومت در افغانستان جریان داشت، صدای مقاومت وصدا ی رسای مردم را بلند نگه داشت، ازین ناحیه از شما وتامم همکاران تان وهمه دوستانی که در از آن دوره های دور تاحال باشما همکاری میکنند تشکر میکنم وامیدوارم که همچنان ادامه پیدا بکند.

طبیعتاً حکومت وحدت ملی، وطنداران همه در جریان هستند که، بعد از یک بحران انتخاباتی شکل گرفت، یک مثلث تقلبی آمدند و بنا بر نتیجهٔ واقعی آرای مردم بازی کردند و در پی آن به بحران مواجه شدیم، در پی بحران هم نه به اساس خواست ورضایت ما بلکه به اساس نیاز و ضرورتی که همان حالات ایجاد می کرد، تن دادیم به شکل گیری حکومت وحدت ملی، توافقنامهٔ سیاسی صورت گرفت. بعد از پذیرفتن توافقنامهٔ سیاسی، ما بهمان روند پایند هستیم وتلاش خود را صادقانه انجام میدهیم تا این روند موفق شود. ولی گاهی نیود ارادهٔ سیاسی و گاهی تأخیر و گاهی تعلل وعوامل متعدد دیگری باعث میشود که توافقنامه طوری که توقع میرفت، مرحله به مرحله به وقت وزمانش عملی نشود. یک چیزی را که ما به مردم خود و طرفدار های خود اطمینان میدهیم، اینست که به رغم تمام تخلف وتأخیر و عملی نکردن کامل توافقنامه، ما به اصولیکه داشتیم ونعمتهدی که با مردم داشتیم، پاینده هستیم. شاید بز مان بگیرد، اما سر هیچیک از آن اصول وارزشهایی که باور داریم وبه مردم وعده داده بودیم، ان شاء الله معامله صورت نمی گیرد.

در مورد کابینه هم گلهٔ طرفداران ما وهم تمام مردم پجاست، که ماهها قبل باید تشکیل میشد. نظر ما این بود که کابینه هر چه زود تر تکمیل شود و آنهایی که صلاحیت وتوانایی کار داشتند، به کار خود ادامه میدهند و آنهایی هم که نداشتند هم رهبری حکومت وحدت ملی وهم پارلمان افغانستان در مورد کار آنها و کفایت شان، جای خالی کنند برای اشخاص متخصص، تصمیم بگیرند. اما متأسفانه چنین نشد و این امر طول کشید، وهمین لحظهٔ که باشما صحبت میکنم، به جز وزارت دفاع، دیگر اعضای کابینه معرفی شدند در مرحلهٔ دوم، وامیدوار هستیم که هر چه زود تر مجلس به آنها رای بدهد.

گذشته از کابینه، در ولایات ودر سطح ریاستهای مستقل وبعضی سفارت هاهم همین مشکل وجود دارد، وما این روند را ادامه میدهیم اما یک مسالهٔ راکه نه بعنوان سخنگوی حکومت، بلکه بعنوان یک کسیکه در ین جریان هستم، به مردم خود میخوام حرف بزنم، می خوامم توضیح بدهم که گاهی اوقات تعهد و ارادهٔ طرف سیاسی، که حکومت را تشکیل میدهد، عین اراده وعزم مانیتست، و میخواهند کار هارا به تأخیر بیندازندو مشکل ایجاد کنند، میخواهند ما را ناامید بسازند، میخو اهند صفی را که ما ایجاد کرده ایم واز ما حمایت میکنند، درز ایجاد شود، تلاش صورت میگیرد که نمونهٔ یک حکومت غیر متمرکز را تا کام نشان بدهند و بگویند حالا که چنین حکومتی کار ندارد، در آینده اگر حکومت پارلمانی هم بیاید با مو جودیت صدارت، همینطور خواهد بود ! اما بحث های اصلاحات انتخاباتی وغیر متمرکز شدن قدرت، بعنوان یک آرمان بر ایما مطرح است وما ان شاعالهٔ مطلب را مردم توضیح میدهیم وروشن میسازیم که اگر این تجربه موفق نبوده، معنی اش این نیست که این نوع یا مودل ناکام است، دلایلش کار شکی، تخلف ویی توجهی طرف دیگر بوده، وعوامل دیگر مثل اطوار نمونه دوهفته پس از تشکیل حکومت وحدت ملی ما میر فیم طرف تقویض صلاحیتهای برای رئیس اجراییه، مگر تاهنوز جز یک بخش بسیار عادی، دیگر صلاحیت هاتاهنوز عملی نشده است. ما سرنوشت کشور و آرامی و صلح وثبات بر ایما اهمیت دارد وما آرام آرام هم اهداف خود را دنبال میکنیم وهم تلاش میکنیم تا این تجربه موفق باشد.

س: بسیار تشکر، قسمت اخیری را که توضیح دادید، در پرسش بعدی من مضمر بود، ولی در کل پاسخ روشنی دستگیرم نشد، بخاطر ی که عرض کردم مسئولیت وصلاحیت هر دو مقام کاملاً مساویست، اگر یک جانب تعلل میکند، مسئولیت جانب دیگر است که به عام مردم کارشکن رامعرفی بکند، واینکه موافقتنامهٔ سیاسی در برابر جامعهٔ جهانی با حضور نمایندهٔ خاص دیر کل سازمان ملل ووزیر خارجهٔ ایالات متحده امضا شده، حالا وقتی یکجانب اینقدر تأخیر و تعلل میکند که در ماه هفتم حکومت فقط هشت وزیر داریم، حال ولایات هم بد تر از نیست، جرموضوعات مخفب میماند، آیا نباید مردم از جریان آگاه شوند ؟
ج : من باشما موافقم که مسئولیت وصلاحیت بحث همانطور است که شما اشاره کردید، بخشی از وزرا مربوط مامیشد که با ید معرفی میکردیم وبخشی هم مربوط ریاست جمهوری بود. لست وزرایی که بما مربوط میشده، در هر مرحلهٔ زود تر تکمیل ومعرفی شده، شاید دلیل اینکه ما نیامده ایم تمام نامهها را بیرون بدهیم، طبعاً بعضی نزا کتهای وجود داشته، در مرحلهٔ اول یک مقدار سکنگی هایی صورت گرفت، مشوره های لازم نشده بود، ولی در مرحلهٔ دوم مشوره هایی صورت گرفت ولست تکمیل شده وهمگی معرفی شده اند. (دنباله در ص ۶)

درنگی بر سفر اخیر رهبران به واشنگتن

پیرامون اولین مسافرت رهبران سیاسی حکومت به اصلاح وحدت ملی به واشنگتن، پرسشهایی را بجانب داکتر عبدالوهاب هادی، سابق استاد حقوق و علوم سیاسی دانشگاه کابل، و ژورنالیست سابقه دار صدای امریکا در میان گذاشتم، که شرحش چنین است :

کوشان: از نگاه شما لزوم سفر رهبران حکومت وحدت ملی به واشنگتن چه بود وبه ابتکار کدام یک از دو طرف، ایالات متحده یا افغانستان صورت گرفت ؟
دا کتر هادی : در یک پاسخ کوتاه: هر دو ! واما میدانم میخو اهید به اختصار بر این موضوع روشنی بیندازم. مسافرت رسمی زعمای دو گانهٔ حکومت، از پیش گفته ام، غیر قانونی ومغایر با قانون اساسی افغانستان، برای حکومت اوباما و کانگرس امریکا از بدو امر سئوال برانگیز، ولی در عین حال بادر نظر داشت شرایط واوضاع نابسامان امنیتی افغانستان هم برای قوای در حال خروج امریکا از افغانستان و هم برای سرنوشت موافقتنامهٔ ستراتیژیک امنیتی تازه امضا شدهٔ امریکا بارهبران حکومت جدید، هر آن مطرح بوده است.

هضم حکومت غیر قانونی افغانستان برای اوباما، که خود یک حقوقدان و متخصص قانون اساسی است، وهکذا برای دمو کراتها و جمهوری خواهان در کانگرس که امروز رهبری اکثریت رادر هر دو مجلس بدست دارند، دشوار بوده وباید هر چه زود تر به شکلی در داخل هم برای خود شان وهم برای ملت امریکا قابل پذیرش میشده، فضایی عدم اعتماد در حلقات مختلف جامعهٔ واشنگتن تاحد بزاد باید مرفوع میگردد. نگرانی امریکا از رهگذر ماندن ۹۶۰۰ عسکر امریکا در افغانستان، که میبایستی تا آخر ۲۰۱۶ جز تعداد قلیل بخاطر ریاسداری سفارتش در کابل، باید از افغانستان خارج شوند، وهکذا تشدید حملات دهشت افگنی القاعده وطالبان از مسایل دیگر بود که نزد مقام های امریکا، سفرزعمای تازهٔ افغانستان را به واشنگتن بیشتر موجه میساخت.

در جانب افغانی نیز ضرورت سفر هر چه زود تر هر دو رهبر حکومت به واشنگتن، از همان روزهای اول دست یابی آقایان غنی وعبدالله بقدرت ومشاهدهٔ واقعیههای دشوار واشکالات عظیم کاری خود شان، برای هر دوی شان هر چه زود تر نمایان گشت. نبود مزید قوای امریکا و متحدین آن در افغانستان پس از گذشت ۱۳سال، تنها باعث ایجاد یک خلای نظامی برای قوای نظامی افغانستان نه، بلکه وزنهٔ محسوس بر وضع پولی واقتصادی متکی به دیگران افغانستان داشت و فعالیت بسی شر کتهای خصوصی داخلی وبعضاً خارجی رادر کشور بطی وحتی متوقف ساخت. کسر بودجهٔ دولت که حکومت پیشین را نگران ساخته ومجبور ساخته بود برای پرداخت معاشات مامورین از خارج طلب کمک گردد، به حالش باقی ماند و حکومت جدید رامجبور ساخت بالتوبه از کشور هاو موسسات کمک دهندهٔ بین المللی طالب کمکهای فوری گردد.

کم شدن محسوس مأ کولات قوای نظامی ویلیس در آخرین ماههای حکومت سابق، در حکومت تازه ادامه یافت. میزان بیکاری ملیونها نفر، باعث فقر ویی چارگی مزید خود شان و ملیونها تن اعضای خانواده های مظلوم شان شد، ودر مجموع جام صبر و حوصلهٔ مردم را بطور ترسناک لبریز ساخت. شیوع فساد و چور وچپاول مامورین دولتی در وزارت های بی وزیر وسهمنا کتر از همه، عدم موجودیت پلانهای اقتصادی وعده داده شدهٔ هر دو رئیس به مردم حین مبارزات انتخاباتی، که یک مثال مصدق آن عدم موفقیت حکومت در ارائهٔ دست کم یکی از آن وعده ها وعملیه تشکیل یک کابینهٔ جدید بود که تا امروز ادامه دارد، فکر میکنم تیمهای غنی وعبدالله را به زانو در آورد وتاحد بز یاد دوجانب رامجبور ساخت راه رقابت وعلم همکاری را هر چه زود تر بهتر ترک کد دهند، ومشتربا دست بکار شوند و یک (وحدت واقعی) در ین خود شان ایجاد کنند، نه اینکه باز هم شعار دهند که تشکیل حکومت وحدت ملی برای حفظ وتأمین وحدت در بین اقشار مختلف مردم افغانستان است ! یا ین جرحش، رهبران افغان در پی جلب توجهٔ جامعه بین المللی از حکومت شان، بخصوص در پی جلب تداوم همکاری حکومت ومردم امریکا با حکومت شان شدند، تا بالاخره باتفاهم با مقامات امریکا، تاریخ مسافرت شان را به واشنگتن به ۲۴مارچ تعیین کردند.

س: سفر رهبران افغانستان دقیقاً چه اهدافی داشت ؟

ج : اگر به سخنان رهبران هم قبل از مواصلت شان به واشنگتن وهم در بعد از سفر شان به واشنگتن رجوع کنیم، با سخنانی رایباد آوریم که آقای احمدزی در کنفرانس مطبوعاتی مشترک با آقای اوباما در قصر سفید ایراد کرد، مسافرت هر دوی شان به واشنگتن، فکر میکنم علاوه بر جلب مساعدت و کمکهای تازه، عمدتاً یک هدف کلی داشت و آن ایجاد یک فصل نو ین در روابط افغانستان وایالات متحده بود. غنی وعبدالله قبل از پرواز شان جانب واشنگتن، در مقابلهٔ مشترک در واشنگتن پوست (۲۲مارچ) زیر عنوان(فصل بعدی یک اتحاد بس مهم) گفتند: در حالیکه در اولین انتقال صلح آمیز ودمو کراتیک قدرت در تاریخ کشور خود، ما وحدت را بر شقای ترجیح داده ایم (که البته اشارهٔ به انتخابات نمی کنند !) ماهه ایالات متحده سفر میکنیم تا همکاری بین کشور خود وامریکا را عمیق تر سازیم. باتعاون و کمک ایالات متحده مردم زحمتکش افغانستان قادر خواهند بود کشور ما را دوباره اعمار کنند، اقتصاد ما را رونق بخشند و در برابر دهشت افگنی مقاومت کنند).

اما اگر به کلام شان در واشنگتن رجوع کنیم وسخنانی رایباد آوریم که غنی به تعقیب صحبت ومذاکرات یکجایی وبعد محرمانهٔ خود موافق به پرو تو کول معمول، با اوباما در قصر سفید، در کنفرانس مطبوعاتی نسبتاً مطول خودش با اوباما اظهار کرد، روشن میشود که هر دو رهبر حکومت وحدت ملی سعی کردند در تمامی مدت سفر به واشنگتن، یک چیز عمدهٔ راجستجو کنند که، به نظرم از دیدگاه آنها، در پیشگیری یک طرح نو ین و کشودن فصل تازه در همکاری بین حکومت جدید ومردم افغانستان وحکومت ومردم امریکا است.

س : منظور شما از طرح نو ین وفصل تازه نزد حکومت جدید چیست؟

ج : فکر میکنم زعمای تازه بخصوص آقای احمدزی، که پیداست با جریانات وخم وپیچ های سیاسی دولت امریکا بخصوص ارگانهای اجرایی وتقنینی این کشور آشنایی بیشتر دارد، وهر دو در گذشته چه بصفت شاگرد وبعداستاد و کارمند بانک جهانی، با بیعت وزیر خارجهٔ اسبق افغانستان، با واشنگتنی ها سرو کله شور داده وبه یقین بارو حیات جامعهٔ امریکا آشنایی بیشتر دارند، نه تنها بسرعت در پی احیای مجدد کمکهای قبلی شده اند، بلکه در پی آن افتاده اند تا کمکهای نو ین این کشور عظیم ومقتدر جهانی را برای افغانستان بطور مستدام ومحکم جلب نمایند، وایان عمل فصل نوینی رادر روابط هماکارانهٔ دو کشور باز سازند. واما مهمتر از آن فکر میکنم هر دو زعمیم متوجه شده اند که برای تحکیم هر چه بیشتر روابط بین دو کشور باید سعی کنند از یک طرح وستراتژی مبتنی بر نزدیک سازی مردمان دو کشور و ایجاد همبستگی های روحی ومعنوی کار بگیرند. عملی که برای یک بشر شناس یا انتر وپولو گی چون آقای احمدزی، متخصص در همین رشته، شاید سهلتر تمام گردد.

س: لطفاً دربارهٔ بکارگیری ستراتیژی بشری توضیح دهید.

ج : ادارات موقت وانتقالی وانتخابی آقای کرزی، که پایه گذار آن همه می دانند، وسیعاً ایالات متحده بود، که قوای آن چند هفته قبل از نمودار شدن کرزی در صحنهٔ سیاسی افغانستان برای سقوط حکومت طالبان (نه امحای طالبان یا میزب بان القاعده) به افغانستان حمله کردند، از همان آغاز (دنباله در صفحهٔ ششم)



نام کتاب : زندگینامه استاد عبدالرشید لطیفی نویندگان : داکترعنایت الله شهرانی و داکتر لطیفی
به برگ لاله رنگ آمیزی‌ای عشق به جان ما بلا انگیزی ای عشق اگر این خاکسدان را واشگگافی درونش بنگری خونریزی ای عشق آغازبخش دوم معرفی این کتاب پرتب و تاب راباجندیست بالااز سرورده های فلم (عشق ودوستی) ساختهٔ دراماتیسٔ فقیداستاد عبدالرشید لطیفی مزین نمودم که خودیادنگر یکی ازاندیشه‌های در کنجکاو و شگافتن اعمال نهادهای جامعهٔ وقت افغانستان بود، تا محتویات تلخ وشیرین آنرا درنمايشنامه های صحنهٔ تمثیل یا(پوهنی ننداری) وقت به تماشاېگگارد و پند و انتیاه ونصایح جانانه رابه تماشا چیان عرضه بدارد. همان نهادهایی که از زوایای آن بسی رویدادهای تراژیک و خونریزی های اجتماعی در درامه هایدیدار می گردد...

بهر حال، درین قسمت، فشردهٔ از گفتار و تقریظ روشنگر دوست نهابت محترم و گرامی ام، نویسنده، روزنامه نگار ومترجم آزموده وفرزانهٔ وطن جناب سید فقیر علوی ازصفحات رنگین کتاب بشمارائه میدهم : (... اخیراً اثر فوق ذریعهٔ دوست دانشمندو گرامی ام پوهانداکتر واسع لطیفی به ایجناب رسید، وبر نگارندهٔ ناتوان افتخار بزرگی ارزانی فرمود. پوهاند لطیفی زندگینامهٔ استادمرحوم رادرجراید دوران غربت و آوارگی زیب صحیفهٔ مطبوعات کرده بودند، ولی ارادتندان وهواخوانان استاددنیای هنر، اصرار بر آن داشتند که چون عمر روزنامه هاوجراید محدود، ونگهداشت آن برای ارباب تفحص وتحقیق مسایل فرهنگی وهنری دشواراست، بایدرسالهٔ مستقلی دربار زندگی استاد تهیه وطبع گردد تاام نامی این مرد مبارز مشروطه خواه وهمسنگر مرحوم محی الدین انیس ودرعین زمان محققین وپژوهشگران آینده وقتی دربارهٔ هنر وتیاتردر دوران (عصر طلایی) مطلبی رقم کنند، مأخذ موثق ومعین در اختیار داشته باشند، درغیر آن باشراطی که طبقهٔ تعلیمیافته وچیزفهم روبروست، این شمع هابرای ابد خاموش خواهشد، وفردایی خواهیم داشت که مطالب ارزنده به جهان هنرو فرهنگ عرضه کرده نخواهیم توانست.

نگارنده، این اثر رالزچندین جهت سزاوار برازندگی وبامتیاز خاصی مینگرم، نخست ازهمه، مولف محترم، استادلطیفی راجون رهبر و رهنما درزندگی خود قرارداده، واو راسایه واردنبال کرده وبه این ترتیب اثررا برمایه و خواندنی و موثق ساخته، که هریو گرافی نویس دیگری درین امر ناتوان میبود. به این ترتیب به هر پیمانۀ که یو گرافی نویس در مورد شخصی که شرح حال اورا باز میگوید، مناسبت نزدیک از قبیل ارادت، همفکری یا ارتباطات خانوادگی داشته باشد، که البته این ارتباطات واحساسات مشترک واهداف مشترک بایدار می سازد، بهمان پیمانه این قبیل آثار مستند و موثق گفته میشود، تابه نقل قول از دیگران، که برخی اوقات باحب و بغض ویا احساسات شخصی همراه میباشد... مزیت دیگر این اثر ازین جهت است که داکتر فرهاد لطیفی، فرزند ارجمند استاد(عبدالرشید لطیفی) به زوایای بسیار عمیق زندگی پدر و سایر نویسندگان وبزرگان ادب آن عصر، که از مشاهیر وبزرگان وطن خوداند، روشنی انداخته وحیات روزانهٔ ساده وفقرانهٔ شان را باز گو میکند .

به تأییدنوشتهٔ فرهاد لطیفی، نگارنده نیز که صباخی چند ریزه خور خوان دانش وفصل این بزرگواران بوده ام، حکایتی رادرین راستا باز میگویم تا موبد حرفهای داکتر فرهاد لطیفی گردد، و آنرا زادهٔ احساسات وعواطف روانی پدر و فرزند ندانند. درایامی که استاد فرزانهٔ ما مسئولیت نشر روزنامهٔ ملی انیس رابه دوش داشت، سنت بر این رفته بود که مرحومی سرمقالات روزنامه رادر محیط گرم وآرام کتابخانهٔ کوچکش واقع اندرایی، که عصر محل محفل دوستان بود، و ارادتندان استاد بی تعارف یگان ییالۀ جای تلخ میسر بود، مینوشت، وعلی الصباح نگارنده سرمقاله وسایر مطالبی که احیاناً شب تصحیح و تأیید میکرد، می بردبه مطبعه تا ترتیب وصفحه بندی وطبع روزنامه گرفته شود...

همکاران انیس: وقتی استاد نشر روزنامهٔ انیس رابدوش گرفت، همکاران واراد تمندان استاد همگی دست بدست هم داده درامر ارتقای سوبهٔ نشراتی روزنامه در مقام همکاری برآمدند. مثلاً مرحوم عبدالرحمن پژواک به ترجمهٔ گیت آجلی، اثر فیلسوف وشاعر بنگال، تاگور پرداخت (هرچند داکتروان فرهادی نیز در ترجمهٔ این اثر سهمی بسزافرشته اند). داکتر محمد رسول وسا مضامین صخی روزنامه راتهیه میکرد. درینجا میمورد نیست اگرذکر خیری هم از برادر مرحوم وسا کنیم، وآن عبارت از مرحوم محمداسلام مین است. این شخص درآنوقت که کورسهای آموزش پشتودوام داشت، علیه کسانیکه هی دادمیزدند آموختن لسان پشتو دشواراست، قدهلم کرد ولسان پشتو آموخت، وی معلم لیسهٔ حبیبیه بود . همچنان محمداسلم اخگر یگان مقالات انتقادی مینوشت. معاون انیس مرحوم غلام جیلانی آریزو بود که ازلیسهٔ نجات برآمده واز طریق ترجمهٔ منابع آلمانی همکاری میکرد. مخصوص ترجمهٔ یک کتاب آلمانی بنام اولی بولی روانشناس آلمان که موضوعات غامض زندگی رابزبان ساده تحلیل میکرد خوانندگان فراوان داشت.

واما خوداستاد بر علاوهٔ تهیهٔ سرمقاله وتقیح مضامین وارده، به ترجمهٔ اثری بنام(موفقیت درسایهٔ اراده) از تألیفات اریزون سوبت مارون بود، پرداخت... هنوز ترجمهٔ این اثر به پایان نرسیده بود که استاد برای یک مسافرت رسمی عازم خارج شد، وناگزیر بر مرحوم احمدعلی کهزاد، مورخ شهیر وطن بقیهٔ ترجمهٔ این اثر را به عهده گرفت .

... باتأسیس پوهنی ننداری، استاد بچیت رئیس آن موسسه مقررشد. در آن عصر پوهنی ننداری در کول لیسهٔ استقلال قراردادشت وبایک مقدار ترمیمات و تهیهٔ چوکی وروشنی اندازهاوغیره به مشکل زمینه برای نمایش آثار هنری فراهم گردید. همین که استاد بچیت رئیس پوهنی ننداری برگزیده شد، نخستین درام استاد بنام میراث روی برده آمد که مرحوم عبدالشیدجلیا بچیت قهرمان درام در آن رول اساسی داشت. چون استاد لطیفی مرد مبارز وقند وخامهٔ انتقادی داشتند، همچنانکه درنامهٔ انیس برای علامهٔ بزرگوار سلجوقی نخستین رئیس مستقل مطبوعات افغانستان، که مردمحافظه کاری بود، همیشه ددرسهای ایجاد میکرد، درپوهنی ننداری نیز این درسرهاوجود داشت. در تمثیل این درامه، طوریکه محترم داکتر شهرانی توضیح داده اند، این چهره هارول های خوش را باموفقیت تمثیل میکردند و کف زدن‌ها وشادباشهای تماشاگران راتحویل می گرفتند. البته درقطار معرفی این خدمتگزاران آرت وتمثیل به ذکرچندنام دیگری هم همت میکاریم تاحتی مشروع آنان نیز درین سلسله اداشده باشد .

چون نقشهایی که روی سبیزر تمثیل میشد سزاوار دیکور جداگانه ای بود، این کاربعهدهٔ مرد ظرفی بنام کاکارسلو سپرده شده بود. این شخص درخلال توقف یک صحنه، بلافاصله دست بکار میشد وباجوان دیگری بنام خلیفه علی محمدنچار دیکور صحنهٔ جدید راآماده می ساختند. کار اداری پوهنی ننداری بعهدهٔ جلال الدین خشناو بود، و درین سلسله نگارنده نیز داوطلبانه دروزاه هارا کنترل و تماشاگران را درچو کیهای شان رهبری میکرد. چون روزنامهٔ انیس و پوهنی ننداری درفاصلهٔ محدودی قراردادشتند، همینکه از کارانیس فارغ میشدم، فوراً خود را به پوهنی ننداری میرساندم، ارادت و اخلاص (دنباله در ستون سوم)

انجنیر عبدالصبور فروزان

تلویزیون ژوندن

مظهر تعصب زبانی وقوم گرایی (به ادامهٔ گذشت)

علاوه بر مرحوم فیض محمد کاتب، عدهٔ دیگری هم بودند که امیر حبیب الله کوهدامنی به ایشان اعتماد و باور کرده بود و برایشان مقام ومناصب دولتی داده بود، اما آنها عین عمل کاتب رامشق و تمرین کردند. از آنجمله مرحوم عبدالحی حبیبی بود که امیر اورا سر محرر جریدهٔ طلوع افغان در قندهار ساخته بود. استاد حبیبی از طرف روز در طلوع افغان چیزهای نیکویی دربارهٔ امیر مینوشت، اما از طرف شب شبنامه پخش میکرد و مردم قندهار را تشویق به شورش وبغاوت در برابر امیر می نمود، وبه اظهار اینکه تاج وتخت را از پشتونها، تاجیکها گرفته اند، قندهاریان رابه خشم وغیض میآورد وآتش تعصب وجدایی را دامن میزند.

بهاءالدین کشکی که شخص قلم بدستی بود و امیر اورا سر محرر روزنامهٔ حبیب الاسلام که در کابل نشر میشد و روزنامهٔ دولتی بود مقرر کرد. او هم در ظاهر وصف امیر رامیکرد اما در شب، شبنامه پخش میکرد و پشتونها را تشویق میکرد تا بر علیه امیر حبیب الله کوهدامنی قیام نمایند. به اساس معلومات شفاهی دوست دانشمند وفاضلی، مولینا عبدالشکور رشاد هم اینگونه فعالیتهای خفیه داشت و پشتونها رابه قیام وبغاوت تشویق میکرد. اطرفیان وفادار امیر اورا ازین گونه حرکات آگاه میساختند ولی او هرگز کسی رابخاطر چنین فعالیتها اذیت و آزار نکرد وبه اشخاص قلم بدست سخت احترام داشت، ولو اینکه بر علیه او هم می بودند. قلم بدستان فوق الذکر تا اخیر دروظایف شان بماندند و حتی امیر، کردهٔ شان را به روی شان نکشید.

اما نادر غدار اشخاص صادق ووفا دار رامجازات میکرد وبه زندان می افگندوبه دار می آویخت، واشخاص خاین ونمک حرام رامنصب ومقام میداد، چون خود خاین ونمک حرام بود. زمانیکه قدرت رابه دست گرفت، صدهاتن از همکاران امیر حبیب الله کوهدامنی رابه دار آویخت وصدهاتن از کسانی راکه با امان الله خان همکار بودند کشت یا به زندان انداخت. درین راستا چنان انسان سفیهی بود که حتأهایی که امان الله خان رامحض دوست داشتند وهیچگاه باو ملاقات نکرده بودند، نیز زنجیر وزلوانه کرد وبه دار آویخت. یکی از شخصیتهای برجستهٔ سیاسی کشور شاه محمدولی خان دروازی است که شخصیت فاضل وادیب چیره دستی نیز بود. شاه محمدولی خان از بدخشان بود ونادر اورا بخاطر اینکه نمایندهٔ دولت امان الله خان بود، به دار آویخت شاه محمد ولی خان دروازی به نادر گفت که اگر مرابه دار بزنی، مرد های دیگری زنده هستند که ماهیت ترا که نمایندهٔ انگلیس هستی، افشاء خواهند کرد. نادر افزون بر اینکه شاه محمدولیخان را اعدام کرد، اعضای خانوادهٔ اورا بندی کرد، وامر نمود که هیچ یک از بچه های بدخشان را اجازه ندهند شامل مکب شوند. چنانکه پسر دروازی را که فعلا در کالیفورنیا زندگی میکنند، و در آنوقت کودک کوچکی بود، نادر به زندان انداخت، که بخاطر این ظلم نادر غدار از نعمت سواد بی نصیب ماند. نادراین امر را بخاطر این صادر کرد که شاه محمدولی خان رواقعی به پایۀ دار می بردند، به سیدشریف کنری باور خاص نادربود وحلقهٔ دار رابه گردن دروازی انداخت، شاه محمدولی خان به او گفت به نادر بگو که مرا یگانه می کشی، اما یک نامردی نکنی که اولاد مرا از درس ومکب مانع نسازی!

خواجه بابو یکی از سرشناسان کوهدامن بود که پدرش میر مسجدی خان از قهرمانان جنگ با انگلیسها بود. در دولت امیر حبیب الله کوهدامنی وزیر داخله بود، و زن هاو اطفال کوچک خاندان نادر را که مردهای شان فرار کرده بودند، به عزت واحترام خاص حفاظه ونگهداری نمود، وقتی نادر سلطنت را غصب کرد، خواجه بابو را که مرد ریش سفید بود، گرفتار کرد وزندانی ساخت، بعداً هاشم برادر نادر اورا کوته قفلی کرد و کسی حق صحبت ودیدار باو رانداشت، و در یک سلول مدهش زندان تاخیر حیات قفل بود و در آنجا جان داد .

جنرال محمد صدیق خان برادرزادهٔ صاحبزاده عطاءالحق خان وزیر خارجۀ امیر حبیب الله کوهدامنی، در زمان سلطنت امان الله خان در جلال آباد قطعات عسکری راسوق واداره میکرد که جنازهٔ محمد یوسف دیره دونی، پدر نادر و هاشم رالازدیره دون هردوستان آوردند، امان الله خان به نسبت خیانتی که این خاندان مرتکب شده بود، امر کرد تاجنازهٔ او را کسی احترام نکند وبه پیش جنازهٔ او نزود. ولی جنرال محمد صدیق خان که دوستی ورفاقت باخاوادهٔ نادر داشت، بدون در نظر داشت امر شاه امان الله خان، رفت وجنازه راسر شانه گرفت، در قبرستان مهترلام دفن کرد ومجلس فاتحه خوانی هم برای او گرفت . شاه امان الله خان ازین عمل سخت آزرده شد وبه او گفت تو جنرال من هستی، چرا خلاف امر من اینکار را کردی؟ جنرال به شاه گفت شما اختیار دارید هر چه می کنید، ولی نادر دوست من است وپدرش رامیشناسم. اما زمانیکه نادر سلطنت را غصب نمود، جنرال محمد صدیق خان رابادیگر همراهان امیر حبیب الله کوهدامنی کشت و دوپسرش را زندانی ساخت!

امیر حبیب الله کوهدامنی یگانه زمامداری در تاریخ افغانستان است که خود خواستار شاهی وتخت وتاج نبود، بلکه مردم او را به رضاورغبت خود پادشاه ساختند. او کوشید تا ازین انتخاب معذرت بخواهد، ولی مردم نگذاشت که اینکار رابنماید. حتی شاه حبیب الله بنابه توطئه نزدیکان دربار شاه امان الله خان تشویق شده بود تا سر دار عثمان خان رابحیث شاه قبول کند، وشیرخان خان یکی از شخصیتهای برجستهٔ جاریکار مانع این کارشد. شاه حبیب الله گرچه سواد نداشت، اما صداقت و ایمان داری، شجاعت واز خود گذری، تقوی وخداپرستی، وفا وسخاوت، گذشت وغیرت وناموسداری او خصوصیات والایر و بالاتر از سواد بود، وسبب شده بود که بهترین دولت وحدت ملی را که در آن همه اقوام حتی برادران نادر واعضای خانوادهٔ شاه امان الله خان شرکت داده شدند، که در تاریخ افغانستان نه بلکه در تاریخ جهان مثال آن دیده نشده است . در بارش مملو از اشخاص شجاع، دلیر، مبارز، مجاهد، متقی، وطندوست، باناموس، دانشمند و فاضل چون شادروان استادخلیل الله خلیلی، شیرجانخان نواسهٔ صاحبزاده غلام جان خان قهرمان معرۀ استقلال، سیداحمدخان نواسهٔ میر بچه خان غازی قهر مان معرۀ استقلال، خواجه بابو پسر میر مسجدی خان قهرمان جهاد علیه انگلیسها بخاطر آزادی وطن، وغیره اشخاص بزرگ منش وفداکار بود. همهٔ اینها دشمنان انگلیسهای تجاوزگر وفداییان در راه وطن بودند وبرای نخستین باردست انگلیسها از ترتیب وتشکیل دولت برای افغانستان که قبلاً معمول بود، قطع شد .

اما نادر، سلطنت رابه یاری انگلیسهاو به بهانهٔ برگرداندن آن به شاه امان الله، غصب کرد وخلاف وعده وقرارش وخلاف خواسته و تقاضای مردم، توسط برادرانش در یک مجلس خانوادگی پادشاه شد وبالای ملت تمحیل گردید. حرکات واعمالش توسط انگلیسهارهبری میشد وآنجۀ انگلیس میخواست همان میکرد. دونمایندهٔ انگلیس یکی سیدعبدالله شاهجی هندوستانی و دیگریالله نواز هندوستانی ناظر اعمال نادر بودند، ودر بارش مملو از اشخاص خاین، ظالم، قاتل، بزدل، کذاب، وطفروش و ددمنش چون هاشم جلال برادرش، محمد گل مومند ددمنش خونخور، خابنین ظالم وجون شاه ولی وشاه محمود، چاپلوسانی چون فیض محمدزکر یابوسر دار احمدشاه خان، چاپلورگان ودزدانی چون زلمی خان منگل و سر بلندخان جاجی، آدمکشانی چون سیدشریف کنری سریاور و عبدالوکیل نایب سالار نورستانی و دیگران بودند .

اسلم سراج یکی از صاحب منصبان امیر حبیب الله کوهدامنی را نادر غدار با

ماری خلیلی ناصری
وودبریج-ورجینیا
قتل فرخنده. قربانی دیگری در دیار بی عدالتی ها
گوش مروتی کو کز ما نظر نبوشد

دست غریق یعنی فریاد بی صداییم (بیدل)
اگر فرزندی مادرش را بجاک بسپارد، امریست عادی وداستانیست معمولی.
اگر مادری فرزندش رابخاک می سپارد، آوازهٔ آن در شهر سایه افکنده وباعث تأثر دیگران می گردد .

با کمال تأسف درسه چهار دهۀ اخیر در کشور ما، تجاوز به زنان و کودکان، به عقددر آوردن دختران خردسال بامردان کهنسال، سنگ ساری وبه آتش سوزی زنان توسط متعصبین مذهبی وطالب بچه های یسواد امریست عادی وداستانی ست معمولی، که این قصه ها بانشر چند سطری در پاورقی نشرات چندروزی نمایان گشته وبزودی به دست فراموشی سپرده میشود. متأسفانه نه حکومتهاو نه آتائیکه بر کرسیهای عدالت تکیه زده اند، دراین موارد اقدام جدی نمی دارند وبا وعده های دروغین وجندحرف زبانی در رادیوهاو تلویزیون ها به روی حادثات غم انگیز چادرسیاه افکنده، و میگذارند سیر زمان این داستهای رقتبار را از خاطره ها محو سازد!ازقول شاعری :
محتسب گر می خورد، معذور دارد مست را!
بدبختانه در بسیاری موارد زنان وادار میشوندخودشان درصدد انتقام بر آیند، که در نتیجه بارهم در دادگاه جاهلان متهم شده به زندان میروند ودر آنجا با صدهایی ناموسی دیگر روبروشده، یا اینکه خاموشانه به زندگی شان خاتمه می دهند.
اماداستان مرگ فرخنده به وسیلهٔ جوانانی که خودشان راروشنفر کمیشمارند، وبه امریک مالی بسپواد وباشتیبانی یکی از آمرین با قدرت دولت ازین حرکت، داستانی هست شرم آور وفراموش ناشدنی، که اشک ندامت را از چشم هزاران زن در جهان فرودآورد، قلب هزاران انسان انساندوست راجرچه دار ساخت .امیداورم این بار حکومت وعده های دروغی را کنار گذاشته، به نام خدا وبه نام انسانیت از روح آن دختر مظلوم دفاع نماید، منهمین رابه دادگاه عدالت واقعی بسپارد، و نگدارد قتل فرخنده مثل صدهاقصهٔ دیگر به دست فراموشی سپرده شود.
لاهو تی گفته است :

هر کس به طریقی دل ما می شکند
بیگانه جدا، دوست جدا می شکند
ازدوست بیرسید که جرامی شکند
بیگانه اگر می شکند دردی نیست

جنگ و تأثیر آن بر کودکان جنگ دیده

تصور این کودک آوارهٔ سوربایی اشک ندامت را از چشم هزاران انسان در جهان فرود آورد، قلب هاراجرچه دارساخت وهنگامه بیاکرد این تصویر در دسمبر ۲۰۱۴حین دیدار عثمان ساغرلی عکاس ترکی از پناهگاه آوارگان سوری در شمالغرب سوریه گرفته شد. (هدت) این دخترک چهار سالهٔ سوری که بامادر، دوبرادرو خواهرش باویران شدن خانهٔ شان، به کمپ آوارگان پناه برده بود، توجه ساغرلی را جلب کرد وخواست از کودک عکسی بردارد.
طفلک جنگ دیده که جز توب

وتفنگ باجیز دیگری آشنا نبود، کمرهٔ عکاسی رابا تفنگ اشتباه کرده، دستهای لرزانش رابه علامهٔ تسلیم بلند کرده، لبهایش را از ترس بهم فشرده ودرقلب کوچکش برای ادامهٔ زندگی دعا میکند.

نادیا شعبان عکاس خبری غزه هفتهٔ گذشته بانشر این تصویر در(تویتر) هنگامه ای در جهان برپا کرد. دستهای لرزان وچشمان وحشتزدهٔ کودک سوری، سیل نفرت رادر جهان جاری ساخت . یاباید بایک صدابگو یم: لعنت برخدایان جنگ!لعنت براسلحه سازان!لعنت براسلحه فروشان!ولعنت بر توای سیاستمدار بی وجدان! که دستهای لرزان وقلبهای وحشتزدهٔ هزاران کودک رادر جهان نادیده می گیری!!

به استاد، خستگی های روزانهٔ کار انیس رابه فراموشی میرد.
درپایان بی مناسبت نخواهدبود اگر از یکده دراماتیستهای محترمی که بااستاد لطیفی درپهنهٔ درام همکاری میکردند، ذکر خیری بعمل آورم، به این معنا که مرحوم استاد محمد عثمان صدقی درام عاطفه، مرحوم استاد عبدالغفور برشنا درام لالا پلنگ و مرحوم عبدالرؤف بینوا درام چوکی در خطر است، تهیه وبه نمایش گذاشته بودند، که همه این درام ها کمیدی وانتقادی بود وهر کدام به نحوی گوشهٔ از زندگی روزانهٔ مارا به باد انتقاد میگرفت.) (دنباله دارد)

پیشکش نمودن قرآن وقسم راضی ساخت تاازجنگ دست برداشته وتسلیم شود، در مقابل جانش به امن خواهدبود، و کسی به او ضرری نمیرساند.
وقتی اسلم سراج تسلیم شد، نادر همانروز او را و چهارتن دیگر را که یگانه بودند، به سیدشریف کنری سریاور خاصش تسلیم کرد تا ایشانرا به حلقه های دار یابویزد.
نادر به نظاره آمد واسلم سراج که حلقهٔ دار به گردش بود، به سیدشریف گفت که برای اعلیحضرت حرفی دارم . نادر زد بکش آمد واوبه نادر گفت تو مرابه قرآن وقسم اینجا آوردی، چطور شد که مثل یک انگلیس مرابه دار مینوی! وآنچه دشنام و ناسزا بود به نادر گفت وبسوی تف کرد، نادر آنقدر غضب شد که به سیدشریف امر کرد حلقهٔ دار را از گردن اسلم سراج دور سازد وباقمهٔ تفنگ او را بکشد. سید ناشریف در پیشروی نادر چنان همه های به جان اسلم زد که بدنش سوراخ سوراخ شد، خون از یارگی هاوجودش فواره کرد، بزمین غلغید وبخون تپید ودر پیش چشمان نادر غدار جان داد.
شاروان میر غلام محمد غبار نیز ازین مطلب یادآوری نموده است.)/(دنباله دارد)

حبیبه احراری رفت
توسان -اریزونا

جهان طبیعت

چه خوش بهار بهاری که رنگ دیگری دارد

جمال غنچهٔ گل لطف دیگری دارد

چه خوش بهار بهاری که دوستان جمع اند

به فرش سبزه و گل کیف دیگری دارد

چه سرو سروی که قامت کشیده بر لب جو

به جمع سبزه و گل نیک منطری دارد

چه لاله لالهٔ زیبا فـرا به دامن دشت

به یادبود شهیدان موج دیگری دارد

چه شرشراست به کوهسار که مینوازد دل

ز شور عشق بسی شـور در سری دارد

چه برگ برگی که نقشش بسان دفتر عشق

زلف ایزد بکتا حسن دیگری دارد

انجنیر عنایت الله حبيب
نام گذاری دومحل در کابل به یاد دو خانم محل شهادت دوخان رانام میدان فرخنده و استادیوم شاه بی بی مسما کنيد ! در کشورهای جهان رسم ورواج است تا برای عبرت وفراموش نشدن حوادث تاریخی، محلهای را که در آنجا وقایع غیر مترقبه صورت گرفته، قسمی نامگذاری میکنندتا در ذهن شهروندان جاگرفته و فراموش ناپذیرباشد . بطورمثال درشهر هامبورگ درجاده ها و محل های دیگر شما اسامی اشخاص رامیخوانیدوبه نظر جلوه میکند که در زمان جنگ جهانی دوم وبانظام فاشیسی آلمان نازی جنایات صورت گرفته ومردمان را ازخانه و کاشانه شان ربودند وبه قتلگاه رهسپار کردند (مانند نظام خلق وبرچم در سالهای ۷۰ و ۸۰ عیسوی و تا حال توسط جاهلین مذهبی درافغانستان) .

این مانع سنگهارا به آلمانی stolpersteinوبه انگلیسی stumbling blocks نامند. عکس به اندازه ده سانتیمتر مربع بوده ونام مقتولین ییگناه (شهدا) درفلز برنج messing/bronzeحک شده است .این علامه درجاده ها اهالی را متوجه وآگاه میسازند که درین محل واین خانه حادثه غیرانسانی، وحشتناک ودوراز تمدن صورت گرفته نباید فراموش نمودوآگاه بودتا در آینده بازهم چنین جنایتی صورت نگیرد.گروههای فاشیستی وافراطی نابیده قدرت برسندونظام و سرنوشت جامعه رابدست گیرند وشهرومملکت رابه گورستان وقهقرا بکشاند ودرس وعبرت نیست برای شهروندان وجوانان ومردم توربست که به این محل گردش میکنند .

نه تنها این مانع سنگها مردم را به وحشت گذشته ها متوجه میسازد بلکه محلهای زیادبادبود Gedenkstätteدرآلمان و سایر کشورهای اروپاوجهان وجود دارد که محل نمایشگاه بوده و روزانه صدها نفر درین نمایشگاهامیروندخیرات ودعایی به روان شهدا میکنند ولعنث میگویند به عاملین وقاتلین، که به بشریت وانسانیت ضرری رسانده اند .این نمایشگاههاطورمثال درپراگ بنام شهرماریتز یزیا که نازیهای فاشیست در آنجا قربانگاه داشتندبادربولندشهر auschwitzاوشفیست که مردم رابه داش ها سواتختاندند.وصدهانمایشگاهها دیگر در کشور های جهان که دوره بربریت رابه مردم خود وجهانیان سمعی و بصری آموزش میدهند و آگه میسازند که جلو بربریت را گرفت .

بدیختانه درطول تاریخ افغانستان هم صدها جنایات سیاسی صورت گرفته و تاریخ پرخون داریم . اما درنیم قرن اخیر که همه روز جنایات رابچشم سر می بینیم وبخاطر داریم نباید شهروندان بگذارند که درین عصر ترقی وپیشرفت، این حوادث ناگوارتنهائرای چشمید ما مردم باشد. برای نسل نوومعارف وجوانان آینده این حوادث را باید سمعی بصری برایشان گذاشت که امید است عبرت گیرند وبدانند که چه ظلمها و حوادث ناگواردرین شهرصورت گرفته است . لذا لازم است محلیکه دوشیزه فر خنده را وحشیانه کشتند و سواتختاندند باید بنام میدان فر خنده مسمی شود .مسجدشاه دوشمشیره محل قتل وحشیانه خانم فر خنده که در قدیم بنام مسجد باغ علم گنج وبهتر گفت بنام مسجد لکی مشهور بود (ماهنامه افغانهاچاپ لندن) منوبسند : مادراعلیحضرت شاه امان اله خان یکمقداربول جمع آوری نمود (یک لک روپیه) و مسجد را آباد نمودند . از این جهت بنام مسجد لکی مشهور بود .

باغ علم گنج ازشهر کهنه کابل از دامنه های کوه شیردروازه آغاز شده تادوطرف دریای کابل را در برمیگیرد. البته شهر کهنه کابل به قطعهء اطلاق می شود که برای نخستین بارمردم به آنجا آمده و اساس مدنیت راگذاشته اند، بعد مساجدوآبادیهایی درین محل بنامودند . اشخاص با نفوذ آن وقت بخاطر زیست بهتر تقریجگاه وباغ های را اعمار کردند.از جمله باغ هاییکه در شهر کهنه کابل موقعیت دارد، میتوان ازباغ قاصی، باغ علیمردان خان، باغ علم گنج، چهارباغ، باغ لطیف، باغ شهرآرا و جهان آرا وباغ دیوان یکی نام برد(به قول رادیو آزادی) . درزمان حکومت شاه محمودخان، افغانستان عضو ملل متحد گردید اعضای کابینه وی بیشتر ازفارغ التحصیلان آلمان بودند. استادیوم کابل، جاده ماهیبر و تنگ غارو تحت نظارت وزیرفریادعامه آنزمان دیلوم انجنیراکرم پروتئاو آلمان هاآبادشدند (استادیوم کابل برای ورزش جوانان وشهروندان کابل آباد گردید. میگویند برای آبادی استادیوم حتی ازسنگهای قاره خانه و کوتوالی سابق کابل که بزور فیل ها تخریب شده بود استفاده شده ، تعمیر کوتوالی سابق در محل رستوران خیبر وبه پشتونستان وات در زمان داودخان مسمی شد . (مرحوم پروتا در زمان خلقی ها به شهادت رسیدند .)

در استادیوم کابل محلیکه برای سیورت وتفریح بناگردید، جاهلین مذهبی طالبی درزمان اوج قدرتشان، خانم شاه بی بی یک شهروند ییگناه کابل را وحشیانه باماشیندار کلاشنکوف درملای عام در استادیوم به شهادت رساندند و جهالت وحماقت خودرا به جهانیان ثابت نمودند، لازمست این محل بنام استادیوم شاه بی بی مسما شود.

با این نامگذاری ها میتوان شهروندان شهیدمانرا مانند جوامع دیگر قسمیکه در بالا یاد نمودم، برای تجلیل نامشانرا ثبت تاریخ نمود . همچنان اهالی شهرها باید جلو خودخواهی زامدلمان بی کثبات را بگیرند ومانع شوند که هرجاده ومحل رابه نامهای بی معنا و نادرست نامگذاری کنند (مانند فرود گاه بین المللی کابل بنام کرزی، با منطقه سیزوار بنام شنیدند و امثال اینها..) باید هیئت نخبه و کارشناسان درنامگذاریها تعیین واستخدام شوند . /

فرخنده نوروز مارا آتش زند
(دنباله ازصفحهٔ هفتم)
که تو آدم نشوی جان پدر در پی تربیت کُردم سر بی خبر از پدرش کرد سفر زندگی گشت به کاشم چو شکر حاکم شهر شد و صاحب زر امر فرمود به احضار پدر نزد حاکم شد و بشناخت پسر نظر افکند به سرپای پدر تو کنون حشمت و جاهم بنگر گفت ای نکه و برون شد ز در گفتیم آدم نشوی جان پدر
پدری با پسری گفت به قهر حیف از آن عمر که ای بی سرو پا دل فرزند از این حرف شکست رنج بسیار کشید و پس از آن عاقبت شوکت والایی یافت چند روزی بگذشت وپس از آن پدرش آمده از راه دراز پسران غایت خودخواهی و کبر گفت گفتی که تو آدم نشوی پیر خندید و سرش داد تکان من نگفتم که تو حاکم نشوی

علم از پیر دین پروردنست نه از پیر دنیا خوردن

هر که پرهیز و علم و زهد فروخت

خرمنی گرد کرد و پاک بسوخت

باب هشتم در آداب صحبت. (گلستان سعدی (رح)

و در فرجام: بهار آمد زخویش و آشنا ییگانه خواهم شد

که گل بوی تو خواهد داد و من دیوانه خواهم شد.واقف لاهوری

فرارسیدن نو روز باستانی را به همه هم میهنان دوستداشتنی خویش در سراسر جهان به ویژه در افغانستان؛ میمون و خجسته میخوام. از خدای بی همتا ویگانه آرزوی پرهیزی وهیزستی وآرامی وجانجوی و تندرستی را برای هریک از هم میهنان خویش در سراسر دنیا و همه خانواده خداوند در روی زمین دارم ./

عبدالخالق بقای پامیرزاد

افغانستان از پاکستان غرامت جنگی می خواهد
من قاصد صدای تو ام ای دیار درد
در گوش نا کسیکه ترا سوخت،خودبسوخت
تصور قلدنمای تو ام ای دیار درد
از دشمنان دوست نما روز باز پرس
نفرین و ناسزای تو ام ای دیار درد
خواهان خون بهای تو ام ای دیار درد
دور از تودر بهشت دلم تنگ میشود
(زنده یاد رازق فانی)

مردم جهان و کشورهای منطقه خوب میدانند که در قرن ۲۱درحال وجود سازمان ملل متحد و کشورهای بزرگ، که خودرا حافظ صلح قلمداد میکنند، دولت نویناد و تروریست پرور پاکستان، در آغاز جهاد مردم ما علیه استعمار سرخ و سیاه، ودر واقع برای تطبیق برنامه های اشغالگرانهٔ خود، درامور داخلی کشورما مداخله نمود، جنگ رادامن زد، ملیونهاانسان را کشت، وطن مارا ازبیخ و بن ویران ساخت، وهست و بود مارا ذریعۀ مزدوران حلقه بگوش خودبه یغما برد. اردوی ما را که در جهان نمونه بود، یاشان کرد وصداهافروند هواپیماهای جنگی و ترانسپورتی ما رانیست و نابود نمود، ونواز شریف به پاس خدمات جنایتکارانه اش ازمجلس پاکستان خواهان امتیاز وانعام گردید !

این کمینه حدود دوسال قبل ازروی تمام جنایات پاکستان در کشورم طی نوشتهٔ مبسوط ومستندی پرده برداشتم وخوahuan غرامات جنگی وجبران حیثیت وآبرو برای ملت عزیزم، که درطول تاریخ ابرقدرت های جهان پیشش زانو زده، گردیدم . گفتمان من در جریدهٔ پشتازو محبوب امید، این چراغ روشن آزادی ومدافع عدالت ودمو کراسی به چاپ رسید، ولی ازهیچ مرجع ومنبعی صدایی برنخاست !

اینک که کمربا کستان زیر بار تجمع تروریستان بین المللی خم شده، وهست وبودش مورد تهدید ونابودی قرار گرفته، ودرجهان ازخود نام بدی برجای مانده، ومی خواهد طالبان رابادولت افغانستان آشتی بدهد واین لکۀ سیاه راز جبین مردم وکشورش بزداید، درهمین موقع حساس، پرویز مشرف دکانتور مطلق العنان پاکستان، اعتراف کرده که وی درزمان حکومت کرزی، برای شکست دادن نظام افغانستان، ازطالبان حمایت کرده وآنها تمویل وتسلیح نموده وبه افغانستان اعزام کرده است .

جهانیان شاهد اند که فوج پاکستان درین مداخله وتجاوز آشکار در کنارطالبان قراردادش. این اعتراف احمقانه و خاینانه درمطبوعات جهان طنین افکنده، و ملت افغانستان وجامعۀ مدنی، شورای ملی و پاسداران حقوق بشر ودمو کراسی وعدالت اجتماعی، درداد گاه بین المللی هاگ ازطریق ملل متحد اقامۀ دعوا نمایند، وخوahuan غرامات جنگی وجبران خساره شوند .

نکتهٔ مهم دیگری که بایدبعرض رسانیده شود، تصفیه وپاک سازی دهشت افگنان بین المللی در آن کشوراست، که باید به او طان شان برگردانیده شوند، واین موضوع مهم راملل متحد تحت نظارت جدی قراردهد. نکتهٔ سوم اینکه برای خشک کردن ریشهٔ تلخ تروریسم، لازم است مدارس مذهبی پاکستان، که تعدادش به هزارهامیرسد، و ملیونها نوجوان رامعز شویی کرده وبرای کشتار انسان هاتحت تربیه قرارمیدهند، زیرنظارت سازمان ملل و کشورهای اسلامی بشمول دولت پاکستان قرارداده شوند، ونصاب تعلیمی طلاب به وزارت معارف مدغم واصلاحات بنیادی در آن وارد گردد، تامردم جهان در آینده زندگی فارغ از ترس و هراس داشته باشند .

ازمalahای یسواد وکم عقل تضمین گرفته شود تادر صورتی که به صورت مخفی به این جنایت دست بزنند، به دادگاه محول ومجازات گردند. این است راه اصولی معو وطرد تروریسم، این پدیدهٔ شوم و بنۀ تلخ درپا کستان، به امید رسیدن به چنین آرمان ! /

قتل دختر جوانی که ...
(دنباله از صفحهٔ دوم)

کشوراست که رهبریت فاسد ودین کاذب وختن راتحمیل کرده است .

دوم اینکه : درقتل فرخنده، مانند دیگر فجایع در کشور، رهبریت ییگکثایت نقش عمدهٔ دارد. بیاددارم زمانیکه یک پلوت اردنی توسط تروریستههای آیسس (داعش سابق) دستگیروتهدید به مرگ شده بود عبدالله بادشاه اردن سفیرسمی خودرادرخارج فوراً توقف داده وبطش برگشت، اما باخیرقتل فرخنده دو رهبر ییگکثایت افغانستان در واشنگتن به کنفرانس مطبوعاتی وبذله گویی وبه خنده آوردن خبر نگاران ادامه میدادند! همین رهبریت بود که در قلب انتخابات و کجروی ازقانون اساسی بادسیسه سازیهای دینی، زندگی مشترک و باهمی داشتند. برای حکمرانان افغانستان پیروی ازروحانیون مفسد جزء اساسی سیاست حفظ قدرت بوده وفتوای روحانیون برای بقای شیادان سیاسی دربدل خریطه های دالر ودینار بدنبال داشت. این عمل ناجایز رهبران کشور به مالاها قدرت داده تازقرآن وشریعت دین مقدس اسلام بدعتی بسازند.

سوم اینکه: بصراحت خدمت شماعرض کنم که به استثنای خداوند یکتا ویگانه، هرچیز دیگر درجهان باید بنظریه گذشت عصروزمان، شرایط محیطی بایدتغییر کند. درگذشته درعلم بیولوژی میگفتندهر حیوان یازنده جانی قویتراست چانس بیشتر زنده ماندن رادارد. اما امروزاین تعریف فرق کرده ومیگویند هر حیوان یالانسانی که قدرت تطابق به تغییرات شرایط محیطی رادارد، چانس بیشتر زنده ماندن را دارد. این یک قانون بیولوژیست، ونمی توان آنرا رد کرد.

حضرت محمد(ص) پیغمبراسلام این حقیقت بیولوژی را ۱۴۰۰سال پیش تایید فرموده بودند. ابوداؤدحدیث شماره۴۲۹۱ پیغمبراسلام (ص) راجنین روایت میکند:[بعدازهریک صدسال ازین ملت مسلمان کسی قیام خواهد کرد که دین راتجدید و ریفورم نماید].

فلسفۀ تجدید درهردین وتطبیق قوانین دینی بنظریه شرایط عصرو زمان اهمیت بزرگی دارد. امروزاکثرادیان خصوصادودین یهودیان وعیسویان ریفورم قابل ملاحظۀ شده اند. برعلاوۀ جدانشدن دین از سیاست، قوانین دینی که تأثیرمستقیم برحیات روزمرۀ مردم دارد، تغییرات عمیقی نموده است. فروعات دین مقدس اسلام از ۱۴۰۰ سال به این طرف بنظریه مقتضیات عصروزمان تغییری نکرده است وبراساس همین دلیل میباشد که بعضی ملاحهای نادان ازبعضی بحث هاو قوانین ریفورم نشده استفاده نموده ومردم رابه بدبختی مواجه ساخته اند. گرچه بحث تجدیدنظر وریفورم درفروع دین اسلام نمیتواند دراین مقالهٔ کوتاه بحث شود، اما مختصراً بایداشاره کنم که قوانین وراثت وجزا ، بریدن دست وپا، سنگسار برای مرد یا زن زنا کار، معامله با مردم کشورهای بی توسط کشوراسلامی فتح میشود، قابل مطالعه وباز بینی وتجدیدنظر میباشند. اکثرچنین قوانی امروز دربسی از کشورهای اسلامی تطبیق نمی شوند.

علاو تا درحالیکه قرآن عظیم الشان درمدت ۲۳ سال بعدا از رحلت پیغمبر خدا (ص) جمع آوری شده است، احادیث مبار که اضافه از صدسال بعدا ازوفات رسول خدا جمع آوری وضبط شده است. دو حدیث معروف ومعتبر یکی احادیث اسماعیل بخاری ودیگری مجموعهٔ احادیث مسلم حجاج است، که نظر به مؤلفین تعداد آن به صدها هزار بلکه یک ملیون میرسد. باوجودیکه تعداداین هردو مجموعهٔ احادیث کم شده اند، باآنها تمافض دراحادیث درعین موضوع و یا اینکه محتویات آن قابل مناقشه است. درموتق بودن آنهابحث ومشاجراتی در بین علمای دینی ایجادشده است، نکتهٔ مهم درینجاست که (دنباله درصفحهٔ هفتم)

محمد یوسف صفا
سپر نگنبدل --ورجینا
به یاد مادر
نام خوت روشنی یخش ضمیر مادرم ! ای مادرم ! ای مادرم هم از او خواهم روانت شاد شاد زند گسانی داشت خوش پیرایشی فارغ از تشویش و سودای زمان چیره شد غم بر من از بالا و پست وای از این درماندگی، بیچارگی خون چکان شد این دل افکار من هیچ کس از درد من آگاه نیست یاور روز بد و دمساز من رهنمایی های تو بشنتمی می کشد دل هر زمان فریاد تو ای که بودی یک زمانم تاج سر در نبودت زندگی پژمرده است زند گانی بشر همواره نیست عذر خواهم ، نادمم ، شرمنده ات باز فرمان تو سر پیچیده ام سوخت در آتش سر و جان و تنم (یوسف) است و ذکر تو روز وشان نام زیبایی تو اش ورد زبان

درمورد مسایل اجتماعی که جواب آن درقرآن مجید بااحادیث شریف وجود ندارد، توصیهٔ رسول خدا(ص) به دلیل قضاوت شخصی گذاشته شده بود. مثال آنرا درصحت حضرت محمد(ص) با آل موغل قاضی انتخاب شده اش در مصربه وضاحت میخوانیم، اما وقتی دروازهٔ اجتهاد بسته شد وسخنگوی سئوالات عصر جدید بدوش فقهای اسلام افتاد، کنفرانس فقها وظیفۀ خودرا طور شایسته اجرا نکرد. چون قرآن عظیم کتابی جامع بوده واز مسایل مختلف از سیاست، عدالت، ازدواج، میراث، قانون جنگ، حقوق زنان، حقوق یتیمان، ساینس، نجوم، نظریات پیدایش زمین وسیارات، به وجود آمدن انسان، طبابت و علم انکشاف طفل در رحم مادر وصدها مسایل اجتماعی بحث کرده است، در تفسیرقرآن، علمای اسلامی فقه از متخصصین علوم مختلفه بطور دایمی ویحد لازم استفاده نکرده اند. مثلاً تاجاییکه مطالعهٔ من درقسمت مسایل طبی نشان می دهد، آیات قرآنی که مربوط علم طب میباشد، بصورت صحیح تفسیر نشده است. آیاتی که خیلی مغلق درمورد بیولوژی وعلم سیارات میباشد، نظریه عدم موجودیت متخصصین بزرگ ساینس، طورصحیح تفسیر نشده اند .

این عدم توجهٔ علمی درقرآن مجید واحادیث مبار که است که آیات قرآن و احادیث یاغلط تعبیرشده اند، ویا روشن ساخته نشده وبالاخره در دست ملاحهای جاهل افتاده و آنها از آن برای بدست آوردن مقاصد شخصی استفاده میکنند. مرگ فرخنده باهمان پیمانه ایکه تأثر انگیزاست، بیشتر از آن انسان را به حال تفسیر ناقص وغلط ازدین مقدس اسلام درجهان امروزنگران میسازد. مذهبیهون افراطی که چون سیماب غلت میخورند واز مباحثۀ علمی فرار میکنند، دشمنان اصلی دین مقدس اسلام میباشند.

مرگ جانگذاز فرخنده این پیام رابرای همهٔ ما آورد: ماهمه بایدبه خاطر حمایت ازدین حقیقی اسلام قیام کنیم، وعقاید کاذب رامهار بزیم ونظریه ارشادات دینی خود، باید مطابق به عصروزمان زندگی کنیم . /

احمدزی نظیر کاکلی شان ...
(دنباله ازصفحهٔ دوم)

رادر کشورشان پیش گرفته وفساد اداری وعدم رعایت قانون وعدالت وانصاف سبب شد آنهابحث مخالفین سیاسی به مبارزه بپردازند، گپ بسیار نادرست و ظالمانه است آنها که از پاکستان برای ویرانی وطن وکشتار مردم ییگناه ما آمده بودند، باکمال سرافکندگی وشرمساری بوباره به کشورباداران شان پناه بردند، والبتنه بنابر سیاستهای غلط وناروای حکومت بوش که با حمله برعراق، توجهٔ شانرا ازافغانستان به عراق معطوف ساختند، باستفاده ازین فرصت، آی اس آی بعد ازسه سال آنهارا سروسامان مجدد داد، واین خائنین وقاتلین مردم مارا، طوریکه مشرف ییشرف اعتراف کرد، برای کشتاربیشترمردم مابه افغانستان فرستادند، وتا امروزهم میفرستند، حتابه پیمانی که باجناب شما بسته وتعهد کردند که هردو کشور یکجا بمقابل طالبان پاکستانی و افغانی که هردو بد اند، مبارزه میکنند وآنها را بنود میسازند، نیزارج نگذاشتند، وهنوزهم ملامعز، حقانی و گلبدین به آدرسهای که از حکومت پاکستان وآی اس آی پوشیده نیست، باکمال آرامش زند گی میکنند وحتا حملات وقتل وقتال آنها در کشورما ده چند بیشتر از گذشته شده است .

اما متأسفانه شمبابا اغماض و کتمان اینهمه حقایق، آگاهانه وقصداً و عمداً به این گروه مزدور تهمتی می بندید که حتاخدشان از آن اطلاعی ندارند ! وآن اینکه شماین قاتلین مردم مارا که اگر فردی از افراد فامیل من وشمارا نکشته اند، به هزاران هزار زن ومرد وکودک ییگناه کشورما ریاخاک وخون کشانده اند، مخالفین سیاسی افغانستان میخوانید ! به آن هم بسنده نمی کنیدومثل کاکای تان قیوم کوچی خواهان آن میشوید که بنابر ظلم وحق تلفی که بربرادران طالب تان صورت گرفته ! از آنهاذرخواهی واعادۀ حقوق وحیثیت شود، که گناه بزرگتری را مرتکب میشوید .

شاغلی احمدزی ! اگر یحیث یک مسلمان به اصطلاح بسیار ساده و عامیانه، پروردگار عالم را که ناظر همه اعمال و کردار وپندارماست، بالای سرخود در نظر داشته باشیم، آیا یجاست که ازین نامسلمانان که مغایر ومخالف هدیایات پروردگار عالم، وجشنپوشی از آیات صریح قرآن پاک، به کشتن بدون موجب صدها هزار خواهر وبرادر مسلمان هموطن ووبرانی کشور شان آتیم برای بر آوردن اهداف سیاسی یک دشمن شناخته شده(با کستان) می پردازد، مامحض به لحاظ پشتون بودن شان، از آنها طرفداری کنیم ؟

شاغلی احمدزی ! این گروه خونخور ننگ پشتون ودشمنان اسلامیت وانسانیت هستند، حمایت و پشتیبانی به ناحق از آنها گناه بزرگ و نابخودنی است . جناب مغز متفکر جهان ! اگر این گروه سفاک که فعلا ازمانیستند، میخوانند دوباره به کشورما تعلق بگیرند، بایدسربه خاک بگذارند ونخست از پروردگار عالم که ناظر وشاهد آنهمه کشتار هاووبرانیهای آنهاست، طالب عفو مغفرت شوند. بعداً بدون شرط وخواستی، از زن ومردوخرد وکلان کشور، از آسمان وزمین کشور ازکوه وصحرا ودشت ودمن کشور، ازچاه و کاریز ونهر ودریای کشور، از حیوان ونبات وپرنده وچرنده وجنبنده وزنده کشور که همه به نوعی قربانی حملات وحشیانه، کشتارهای ظالمانه ووبرانی بی باکانهٔ آنهاشده، و این کشور زیبا وشاداب مارا به ماتمسرا ووبرانه مبدل ساخته اند، از خلوص نیت عذر خواهی خالصانه وی شائبۀ نمایند، سلاح بزمین بگذارند، ازهمه گروهبهای تروریستی مانندداعش والقاعده وغیره بریند، وباقبول قانون اساسی واحترام به همه حقوق وارزشهای فردی انسان درجوار برادران و (دنباله درصفحهٔ هفتم)

داعش باید از ریشه نابود شود (دنباله ازصفحهٔ سوم)

بلند پایه را دستگیر و موردبازجویی ومواخذه قراردهند. اطلاعاتا استخباراتی جمع نمایند که درمحو سازیِ کامل شبکهٔ دشمن بکار گرفته میشود .
در یک چهارچوب نسبتاً وسیعتر تعهد قوای امریکا، ماشایدبتوانیم مخالفان محلی داعش رادرعراق و سوریه بیشتر بسیج بداریم، اما لازم است در کار خود خیلی محتاط باشیم، نباید دسته های کشتارشیعه هارا که به دستور جنرال قاسم سلیمانی، قوماندان ایرانی عمل میدارند، تواناثر گردانیم. شاید قوای نظامی عراق بافتوذ ملیشه ها در آن به یک مصالحهٔ بلد کشانیده شده باشد، امریکا باید تلاش ورزد قیایل سنی عراق وسوریه را تشویق کند شامل قوای ضد داعش شوند. بغداد وجنرال سلیمانی شاید این امررا تایید نکنند، ولی امریکاباید آن نگرانی را نادیده انگارد. بدون حمایت قیایل سنی وغرب، به یک کارناممکن در جنگ باداعش دچار میگردد. /

ریاست اجراییه به توافقنامه پابند است ... (دنباله ازصفحهٔ سوم)
شاید هم وطنان مادر بیرون بسیار در جریان نباشند که گاهییک ماناگزیر شده ایم دلایل تأخیر وانگیزه هایی را که کی مسئول بود، گفتیم به مردم ودر رسانه ها توضیح دادیم . موضعگیری مباسیرا روشن بوده، در یک نشستِی که روسای پارلمان آمده بودند، جناب داکتر صاحب موضوع را تشریح دادند، ومابهیچ صورت نه عامل تأخیریوده ایم ونه طرفدارش .

س: حکومت وحدت ملی از روزایجاد تا امروزیک کار بایک پروژهٔ که به ثمررسیده باشد، انجام نداده، مسأله کابل بانک درچهل روزباید تصفیه میشد، در صدروز کابینه بایدتکمیل میشد، به پاکستان یک مهلت معینی داده شد تا تقاضای افغانستان رابر آورده بسازد، طرف فلان مدت قوهٔ قضایه ودادستانی کل باید اصلاح وبازسازی می شد و و، هیچکدام ازین فقره ها سرانجامی نیافت، ومن ناگزیر برمیگردم بهمان اصل مسئولیت وصلاحیت مساویانهٔ دو رئیس. ریاست اجرایی چه پاسخ دارد درین مورد که هرچه از آدرس حکومت وحدت ملی وعده داده شده، هیچکدام به ثمر نرسشته است.

ج : به نمایندگی از ریاست اجراییه میخوام این موضوع راروشن بگویم که نه ضرب الاجل تعیین کردن باورداشته ایم ونه ضرب الاجل تعیین کرده ایم، یعنی هیچگاهی رئیس اجراییه ضرب الاجلی رادرمورد تعیین نکرده چرا که درشرایط افغانستان وضعیت طوربست که شمایچ کاری راباضرب الاجل تعیین کردن بجایی برسانید. ولی به این معناینست که هیچ کاری صورت نگرفته باشد، در عرصه های مختلف بشمول مسایلی که شمانام بردید، کارهایی صورت گرفته در حد نسبی.

س : مثلاً؟
ج: درمورد کابل بانک پیشرفتهایی صورت گرفته، شمااگر مصوبه های شورای وزیران و کابینه رادنبال کنید، شورای وزیران دردوازه سیزده جلسهٔ که داشته، طبیعتادر هر جلسه مصوبه هایی صورت گرفته که این مصوبه ها بیشترش مربوط میشده به کارهای عملی واجرائی مردم مربوط بوده، درروز های اول از بحث آمادگی برای مقابله با سردی درزمستان در کابل، فراهم کردن گاز وبرق وموادسوختی از جوب تا دیزل وتیل، گندم وآرد وتام نیازمندهایی زمستان مردم به عمل آمد که الحمدلله به این مشکلات روبرو نشدیم درسطح ذخایر ستراتیژیک ووارد کردن مواد. دربحث آمادگی مبارزه باحوادث طبیعی اقدامات جدی صورت گرفت، گرچه ماحداثات بسیاربزرگی هم داشتیم که بیشتروطنداران ما درولایت پنجشیرتلفات زیادداشتند ولی درسطح بیست وسه ولایت کنشورحوادث رخ دادواقدمات بموقع عملی شد، درسطح جمع آوری وتداوی معتادین درولایت کابل، ساختمان مرکز توانمندسازی معلولین که از طرف ایران تنظیم شده بود، دادستانی کل آترابه وزارت کارواموراجتماعی نمی داد، اینکار تصفیه شد و ایرانی ها دو باره حاضر شدندفعالیهایی این مرکز رااُسر بگیرند، برگزاری امتحانات کانکور اترتبیات تانهایی شدنش، جگونگی تقسیم بورسیه ها، حل مشکل ویزه برای کسانیکه ازخارج می آیند، موانعی ایجاد میشد که برطرف شد ودرمیدان هوایی فعالیک بخشی بازشده تابرای کسانیکه می آیند درهمانجا برایشان ویزه داده شود، یعنی مسایلی از این قبیل که میتوانم لست مصوبه های شورای وزیران رابه شاهم بفرستم. تاجاییکه مربوط به ریاست اجراییه میشود اقدامات و کار هایی صورت گرفته، دربخش تعینات ومقرری هاahme به مشوره ها عمل شده، اما درشش ماه باید کارهای بیشتری میشد .

س: ازمقرریها فرمودید که پرسش بعدی من هم است که آقای احمد زی، آقایان اتمر و زاخیلوال ودرین اواخر والی قندزرا، ظاهراً تا جاییکه عام مردم متوجه هستند، کاملاً بدون مشوره باهمتای خود، رئیس اجراییه، مقررکرده، در حالیکه کسی بنام زاخیلوال مشاور اقتصادی باشد، معنی اش چیست؟ وزیرمالیهٔ که کیسه ویت المال خالی رابه این حکومت سپرد، یانامز واینهاهم آیاه تایید مقام ریاست اجرایی رسیده بود؟ چرا که امضای هر دو مقام درهرمقرری باشد.
ج : اینجا چیزهایی راباید اُزم تفکیک کنیم، که مقرریها دردفتر ریاست جمهوری ودر ریاست اجراییه، تقرر مشاورین درسطح ریاست جمهور و درسطح ریاست اجراییه بصورت مستقل وبدون مشوره صورت گرفته ومیگیرد، حدود بیست وجندمشاوری که رئیس اجراییه برای خودومعاونین خود تعیین کرده، هیچکدام درمشوره با رئیس جمهورصورت نگرفته، ودرپای هیچکدام امضای رئیس جمهورهم نیست، وتام مقرریهایی که درین سطوح وباز خردترین مامور تامامورین عالیرتبه وخارج رتبه، اینهاراخود رئیس اجراییه تصمیم گرفته وتعیین کرده، ورئیس جمهورهم درحوزهٔ خودش.

بحثی که برمیگردد به اهلیت، که آیا اینهاانشخاص شایستهٔ هستند که در آن مقامها باشند، بحث کاملاًجداگانه است و آنرا میگذاریم به فضاوت مردم، وخود شان هم میفهمند کی در کجامقررشودو کی نشود، درسطح مقرریهای حکومتی درسطح والی ها، درسطح وزرا وغیره طبعاً مشوره صورت گرفته واگر مشورهٔ صورت نگرفته، ما آنرا متوقف ساخته ایم تامشورهٔ لازم صورت بگیرد .

س : متشکرم، موافقتنامهٔ سیاسی که بین طرفین امضاشد، بنابه گفتهٔ شما، تفویض صلاحیت تا حال صورت پذیرفته، وخودموافقتنامهٔ سیاسی کدام محلی از اعراب درقانون اساسی کشور ندارد، یعنی خارج از قانون ایجادشده، اماصلاحیهتهایی را که آقای احمدزی اعمال میکند، کاملاً ودقیقاً همان صلاحیت های مندرج قانون اساسی میباشد، این تفویض صلاحیت چه وقت صورت خواهد گرفت ورئیس اجراییه چرا درین باره کوتاه می آید؟

ج : در توافقنامهٔ سیاسی طبعاً این موضوع ذکر شده، ودر آن آمده که یک هفته بعدازفرمانی که پس از جریان مراسم تحلیف صادرشد وبه اساس آن ریاست اجراییه ایجادشد، دوهفته بعدفرمان دیگری صادرمیشود که طی آن صلاحیت های رئیس اجراییه بصورت روشن مشخص میشود. ما درمورداینکه بایداین بحث عملی شود، مذاکرات بسیارمفصل داشته ایم، بالاخره یک بخشی از آن، البته باتأخیرچند ماه، که شامل صلاحیت مقرریها درحوزهٔ ریاست اجراییه ودرشورای وزیران وهچنان ریاست شورای وزیران امضاشد، ولی دربخش دیگررئیس جمهورمیگفت که باقوانین نافذهٔ کشورمشکل داردوباید یک فرمان تقنینی صادرشود، وچنین فرمانی هم وقتی صادر میشود که پارلمان در تعطیلات باشد، بعد که پارلمان به تعطیلات رفت واین بحث دنبال شد، گفتند که خوب اشتباه شده واین امرنیازه فرمان تقنینی نداشته، حالا رئیس جمهورمیتواند برخی

ازصلاحیهتهارا که در قانون اساسی آمده، تفویض بکند . سرمتن این صلاحیهتها کارشده ولی طرف برای اعطای برخی ازصلاحیهتهاجانه زنی ومشکل دارد، قبول نمیکند، وماهم اصرارداریم که رئیس اجراییه بایدصلاحیهتهای لازم هم دربخش مقرریها وبرطریقها وهم دربخش بودجهٔ عادی و انکشافی ودیگراُمورمملکت داشته باشد. امیدواریم هرچه زودتراین فرمان صادرشود، درغیر آن یکی از دلایلیکه کارمملکت پیش نمیرودومعطل مانده همین موضوع است.بدون روشن شدن صلاحیهتها اصلاً کاراجرایی از نظر قانونی دچار یک ین بست میباشد، واین بدین معناست که کاریاست جمهوری هم به مشکل وین بست روبرو میشود وبه نفع مملکت وبیشرفت کارمملکت نیست که درصدورفرمان بیشترازین تأخیر بیاید. البته ماهم لحظه به لحظه دنبال میکیم و کدام تعللی ازطرف مانیتست بلکه ازطرف مقابل است. این خواست ماست که همیشه مطرح میشود وطبیعتاً تلاش میکیم بصورت مسالمت آمیز وبامذاکره ومباحثه این موضوع سرانجامی یابد. یک موضوع مهم دیگررا نیز باید یادآور شوم : درموردموافقتنامهٔ سیاسی که در قانون اساسی مبنای ندارد، واقعیت امر اینست که تمام روندسیاسی در افغانستان بر بنیادهمان توافقنامهٔ است که بین هر دو رهبر امضاشده، البته مخالف قانون اساسی نیست، باروحیهٔ قانون اساسی توافق دارد، اماجریان حرکت بعد ازجران بر اساس همان توافقنامه شکل گرفته، برای ما بسیار محترم است وهرنوع تخلف از آن برای ماقابل قبول نیست وتخلف از آن به معنای رفتن به طرف بحران وشکستن تمام قول وقرارهاست .

س : بست مشاوریت امنیت ملی در افغانستان کاملاًگایی از امریکاست درحالیکه در امریکایش از شصت سال پیش وقتی مقام مشاوریت امنیتی رئیس جمهور ایجاد شد به اساس یک قانون مشخص در همین زمینه ایجادشد تا در همه زمینه های امنیتی، سیاسی، اقتصادی وغیره که باامنیت ملی امریکا رابطه دارد، فقط نقش مشوره دهنده به رئیس جمهور ایالات متحدهٔ امریکا را دارد . در افغانستان متأسفانه این میراث حرام آقای کرزی مانده که هیچ مبنایی درقانون اساسی ندارد، ولی بدتر از آن اینست که حالا آقای اتمر که این مقام رادارد، بیشتر به جای وزارتهای دفاع وخارجه وداخله وامنیت ملی تابازمی دهد کارهایش را، در کار تمام این نهادها مداخله میکند وصلاحیت اجراییوی برای خود قایل است، در حالیکه اگر چنین نهادشورنی لازم باشد، باید یک کمیتهٔ متشکل ازوزرای امنیتی، معاونین هر دو مقام وشخص خود روسای جمهور واجرائی بایدتتشکیل گردد، که فقط مشوره بدهد. به نظر من نهادفعلی بیشتر کارشکنی میکند تامشوره دهی ! نظرشما درباره چیست؟

ج : مابه یک اصل همیشه تأکید کرده ایم وهنوز هم بر آن پابرجا و استوار هستیم که ما در افغانستان نیازمند تقویهٔ بنیان حکومت میباشیم، وقتی وزارتها ونهاد ها وجوددارند، هر کدام باید تقویت شوند و کاراز طریق آنان صورت بگیرد، نا دیده گرفتن هر نهاد یاوزارتی یامداخله در کار هر وزارت به نفع مملکت در دراز مدت نیست. نقش شورای امنیت ملی هنوز هم از نظر من یک نقش مشورتی در اموراست، و مخالف مداخلهٔ فراقانونی هر نهادهی درامورنهاد دیگرحستیم، ووظیفهٔ خودمیدانم که بایدنهادهای حکومتی تقویت شود و کاراز همین مجرا پیش برود. شاید تلاشهایی صورت بگیرد اماهیچ عنوان موردحمایت مانوده نیست .
س: برنامهٔ تلویزیون آشنای صدای امریکاهمه افغانهاشدهبودند که در ملاقات جان کری با آقایان عبدالله واحمدزی، وزیر خارجهٔ امریکا صراحتاً از احمدزی تشکر کرد که باوجودیکه برندهٔ انتخابات بود، از خود گذری کرد وباعبدالله حکومت مشترک ساخت ! وداکتر عبدالله این گفتار ناصحیح جان کری با کف زدن استقبال کرد. اگرچه آقای صبیق درروزنامهٔ آفران ملی خواست این موضوع راماستمالی کند، اما نشرات کابل این عمل را پسندیدند. درحالیکه برندهٔ اصلی اصلاحات وهمگرایی بود ومقام اول باید به آن داده میشد ومقام دوم به متقلبین . میشود این امررا توجیه کرد؟

ج : صحبتهایی وزیر خارجهٔ امریکا اگر در زمینهٔ تحولات افغانستان به نحوی از اتحا توجیه شود تاحدی معنا پیدا کرده میتواند که خوب، در افغانستان وضعیت عادی بایدطور دیگری پیش میرفت ودر آن وضعیت عادی هر کسی که انتخابات رامیبرد، لازم نبود که قدرت را تقسیم بکند. ولی وضعیت استثنایی ایجاد شد، درغیر آن این حرف بی معناست ومفهومی ندارد، مردم افغانستان حالات رابسیارواضح وروش میدانند که انتخابات را کی برده بود وبرندهٔ واقعی انتخابات کی بود. بزرگترین قربانی انتخابات راما دادیم وبزرگترین قربانی انتخابات شخص رئیس اجراییه بود، آنهاً بخاطرمنافع مملکت و اصلاح نظام انتخاباتی، تابار دیگر این دورباطل تکرارنشود. در ملاقاتها ونشستهایی که در واشنگتن صورت گرفت از رئیس جمهور تا دیدار کمپ دیوبند، تا تمام ملاقاتهای که در کانگرس واقع شد که در اکثرشان من حضورداشتم، آنهاًز خودگذری رئیس اجراییه به تشکیل حکومت وحدت ملی در پی بحران تقدیر کردند و گفتند که مامی فهمیم که شمایخاطر کشور تان قربانی بزرگ دادید، وعین زمان از طرح اصلاح نظام انتخابات قاطعانه دفاع کردند تا آن تجربه های تلخ در آینده تکرار نشود.

س : بسیار تشکرحجاب داکتررحیمی، سه چهارپرسش کوتا هدارم، و میخوام شاهم پاسخ های کوتا ه ارائه بفرمایید. اول اینکه مسئول ترتیب وتنظیم پروتو کول سفرداکتر عبدالله به واشنگتن کی بود؟ به خطاری پرسیدم که وقتی دیدار هردورهبرافغانستان با آقای اوباما صورت گرفت، دو رئیس جمهور رو بروی هم نشستند، درحالیکه ما دو رهبر وزعیم علی السویه داریم . دوم، آیا آقای باری جهانی از طرف شما معرفی شده؟

ج : آقای جهانی ازسوی آقای غنی معرفی شده، البته ملاحظاتی وجود داشت وماعتراضات خود را گفته بودیم، اما تصمیم آقای غنی بوده که ایشان بعنوان وزیراطلاعات وفرهنگ مقررشوند.(قراراظهار خانم هاشمی وکیل قندهار در مجلس، در یک برنامهٔ تلویزیون طلوع، آقای باری جهانی تذکرهٔ افغانی نداشت وفقط دراوایل ماه حمل امسال تذکره گرفته است، کوشان)

درمورد ترتیبات پروتو کول یک کمیتهٔ مشترکی در کابل تشکیل شده بود تا درهمکاری وزارت خارجه با سفارت امریکا در کابل به این امر پیردازد. البته همه میدانند که این امورها وزارت امورخارجه بدوش دارد. اما متأسفانه درجریان کارمداخلاتی ناهنگام وعجلهٔ از سوی برخی مسئولین ریاست جمهوری که به سفارت مادرینجا آمده بودند، صورت گرفت که یک مقدار ترتیبات جلسات رادربرخی از موارد برهم زد.

درموردسفرداکتر صاحب صحبتهای بسیار روشن بود که ما ازین هر دو رهبریه صورت موازی ومساویانه استقبال میکیم، که چنین هم شد به استثنای دومورد : یکی در کنفرانس خبری بود که گفتند در پروتو کول امریکاسابقه ندارد که سه نفر یکجا کنفرانس خبری بدهند، و بحث دوم هم در دیدار بارئیس جمهوراوباما، شما دیدیددر دیدار در قصر سفید، معاون رئیس جمهور امریکا، برخلاف معمول که معاون رئیس جمهور در چنین محافل حضور نمی یابد، آمدندواشتراک کردند تا توازن حفظ شود، ولی در تمام نشستها آقای اوباماهم بارئیس اجراییه جدا دیدند هم بارئیس جمهور، هم وزیر خارجه امریکابا رئیس اجراییه ملاقات جداگانه داشت وهم بارئیس جمهور. در کمپ دیوبند در کمیته های مجلس سنا ودر تمام جاها دوستان امریکایی ما این نکته رامراعات کردندو آنهاًمی فهمند وزن وجایگاه ریاست اجراییه و حضور ما را وقربانی را که(دنباله درصفحهٔ٧)

درنگی برسفر اخیر ... (دنباله ازصفحهٔ سوم)

آغاز مسئولیتهای وظیفوی خودشان رادربرابر حکومت ومردم امریکا فراموش کردند، وبجای پیش گرفتن اعمال واجرائی که سبب تشویق بیشترمردم امریکا به دوام کمکهای بیشترشان به مردم افغانستان شود، سد همچو خواستهٔ شاندنو شخص کرزی خود رادر محراق روابط امریکاوافغانستان بلادیده قرارداد، وبه گونهٔ لوی ۱۴ درفرانسهٔ عهدنظام سلطنتی، خود رابدیل دولت وبایی زبان(دولت منم !) تلقی کرد، وبامشاهدهٔ جاه وجلال حکومتی وتشریفات درداخل و پدیربایها ازخودش در کشورهای مختلف جهان بخصوص در امریکا، خودرا به اصطلاح نورچشم همه پنداشت، ودرمقابل هر گونه مسئولیتهای کاری اصلی، خودرا دربرابر جوامع پیشرفتهٔ غربی، بخصوص امریکا فراموش کرد، و اشارات وبعد رفته رفته فریادهای صریح دولت وموسسات کمک دهنده به افغانستان رافراموش کرد که درمجامع علنی و بین المللی تشکیل یافته برموضوع افغانستان، شخص او وحکومتش رامتوجه قایض وعیوب ممتد کاری میساخت، و ازش میخواست حساب پولهای داده شده به حکومت ومردم افغانستان رابه حکومت مردمان مالیه دهندهٔ کشورهای شان هرچه زودتر بدهد، اما او بدین اخطارهاو اهمیت مردمان مالیه دهنده سایر کشورها وقتی قایل نشد وبا کلمات فریبنده، وعده امروز رابه فردا موکول میکرد . مزید بر آن، اودرپیش گرفتن خصومت بامریکاوغرب، بافرا تر نهاد وبایران نزدیکی از حذبادی راقایم کرد یحدی بالاشترا کش در مجالس منظفوی ودورتر ا اکثریاجهرهٔ بناش، به کلمات توهین آمیز زمامداران ایران به امریکا و دساتیر اهانت آمیز به خودش، اهانت به افغانستان ومردم شریف آن راقبولدار میشد، وقس علی الهذا .

به نظر من این بوددرسهایی که رهبران دو گانهٔ جدیدباز گذشته ییاددارند و کنون میخوانند بادریشگیری افشای حقایق تلخ وتعیین ضرب الاجل هاوحرمت گذاری به مردم امریکا، حکومت فعلی وبعدی امریکا راتشویق به توجهٔ مجددبه افغانستان کنند. به تاسی ازین ستراتیژی بود که به نظرم، آقای احمدزی دربیاناتش درقصرسفید و روزبعد در کانگرس امریکاعظهارداشت که بصفث رئیس جمهور کشورش از کمکها وایتار ۱۳سالهٔ حکومتات ومردم امریکادر افغانستان سپاس گزاری میکند، ازشرکت بیش از یک ملیون عسکرامریکا در مبارزه علیه دهشت افگنان درافغانستان، واز زباده از ۲۲۱۵دختر وپسر جوان امریکا قلدردانی مینماید که برای دفاع از مردم افغانستان خون های شان را ریختند .

س: دربارهٔ سخنانی احمدزی پیرامن طرچههای اقتصادی واجتماعی حکومت وحدت ملی در کانگرس چه گفتنی دارید؟

ج : به نظرم آقای احمدزی درقصرسفید و کانگرس خواست سخنانش رادر این مواردمختص به اعلام چنداصل وبرنسیب سازدوبیشتر بکوشد با شفافیت و عدم کتمان حقایق، مردم امریکارادر جریان حقایق اقتصادی واجتماعی افغانستان بگذارد. درین راستاوا گفت ثبات سیاسی بر گرانسگ رشد اقتصادی افغانستان شود، چیزیکه بگفته اش طی ۴۰سال اخیر بالاثرجنگهای(دربرابر تهاجم شوروی) وبعددر برابر طالبها، حکمرانیهای ضعیف وادارهٔ ناسالم اقتصادی باعث خفه شدن میزان قیلا قابل رشداتصادی شده وماافغانها رااینک در پایان ۱۳سال بازهم دستنگر کمکهای خارجی ومتکی به کمکهای خارجی نگهداشته است... از آنجاست که افغانستان درحال حاضر نمیتواند به تنهایی خودش اینهمه خلاهاو کم و کاستیهارا رفع نماید. درسرخشان در کانگرس، احمدزی طالب معاونت شرکت های سرما یه گذار، کمک موسسات غیرانتفاعی وارسال کاردانان به افغانستان و کمک حلقات علمی شد تا افغانستان رادر نهادبکارگیری شرکها و موسسات معاملاتی موثر یاری ببخشند.

س: یعنی همین مسایل روح سخنان او را در امریکاتشکیل میداد؟

ج : مسلماً آقای احمدزی در گفته هایش نکات وپیشنهادهات نوین داشت که آنرا از کمک طلبیهای مکروخسته کنندهٔ هیران پیشین افغانستان برای امریکایها فرق میداد. واما آنچه که به نظرم اهمیت دارد وبردیگرمسایل رجحان داشت باز هم طرح ستراتیژی بشری و برخوردعالمانه بامالیه دهندگان امریکا بود که سیاسش رابه همهٔ آنها بصفث یک رجل سیاسی، ازطریق نمایندگان شان در کانگرس به آنها ابراز وبه آنهاوعده داد که حکومت جدید راه جدل از حکومت تا کام کرزی خواهدداشت ودر ساحات فساد وار تشای دولتی وقاچاق مواد مخدر حرفش رابه کرسی عمل خواهد نشاند.

س: جناب داکترهادی ! فکرنمی کنیدتعریف وسپاسگویی احمدزی از حکومت ومردم امریکا بیش ازحد بوده باشد؟ درسرانه های کابل بر اینهمه سپاسگویی انتقاد فروان شده است .

ج : ازین امراطلاعی ندارم وبخودداجزه نمی دهم بر آن تبصره کنم، اماعرض مینمایم که قلوب مردم جنگ ویلادیده ما سالهاست توسط حکومت کشور های بظاهر دوست ودراطن دشمن، جریحه دارباقی مانده است، وحال اگر می بینید که رهبران حکومت وحدت ملی به دلیل اعمال نیک و کمک دهندگان و سرزازان امریکاز آنهاًقدردانی میکنند، معتمد که مردم ماخوشحال میگرددند .

س : نظر شما به مشی جدید وبه ظاهرهمکارانهٔ احمدزی وعبدالله با پاکستان چیست که دربارهٔ آن محتملاً صحبتهایی درواشنگتن داشته اند؟

ج : سخنان دورهبر راباید درمقالهٔ منتشرهٔ شان درواشنگن پوست و بعد در قصرسفید و کانگرس سراغ کرد. آنان درنشریهٔ پوست در ارتباط به همکاری با پاکستان درمقابل دهشت افگنان گفته اند که مابه تهدیدات دهشت افگنی باایجاد مشارکتها درسطح حکومتداری های جهانی، منظفوی واسلامی وملی عکس العمل نشان میدهیم. بعد در قصرسفید از احمدزی شنیدم که گفت: برای تأمین امنیت ماسعی داریم از یک مجرای سیاسی دست بکارشویم . وافزود: ماقصد داریم از یک موقف قدرت باطالبان به مذاکره پیردازیم... مشروط براینکه طالبان قانون اساسی ودمو کراسی ونظام قیولشدهٔ مارا بپذیرند .

دنبال آن در کانگرس، احمدزی اعلام داشت که: افغانستان گورستان طالبان خواهدشد. او درمورد نقش همکارانهٔ پاکستان باافغانستان در برابرطالبان، تا جایی که بخاطرداریم، چیزی بیشتر نگفت. اما ناگفته پیدا است که جوانب افغانی و امریکا درمذاکراتی که درروزاول ورود به ایالات متحده درکمپ دیوبند داشتند، درین باره به تفصیل صحبت کرده اند، واطمینان دارم بپذیرفته اند که درین موضوع بایدصبر کنند تا روشن گردد پاکستان عملاً به چه کارهای سودمند بامضر دست خواهد زد . البته توقع تعداد زیاد افغانها منجمله خودم اینست که جانب افغانی دربرابروعهده های پاکستان فوراً عکس العمل نشان ندهد وسعی کند ازمنتهای احتیاط کار گرفته واقدامی نکند که دوستی باکشورهای دوست چون هند رابه مخاطره بیفگند.

کو شان : جناب داکترعبدالوهاب هادی ازشمایخاطر این مصاحبه ممنونم .

داکتر وهاب : من از شما تشکرمیکم فرصت رامیسر ساختید تا گفتنی هام را با هموطنانم درجریدهٔ موفق شما، امید عزیز پیشکش کنم. /

در حادثهٔ ترافیکی ۱ نفر جان باختند

۱۴پریل /کابل- تلویزیون نور: در یک رویداد ترافیکی در مسیر شاهراه میدان وردک-بامیان ۹ نفر جان باختند و ۱۱ نفر زخمی شدند. رویداد دری واژگون شدن، یک مو تر فلائینکوچ در منطقه کوتل اونی ولسوالی جلریز روی داد. در میان کشته شدگان ۴زن و ۲ کودک شامل اندو وضع دونفر زخمی وخیم است.

شرح اشتراك هفته نامهٔ امید

ايلات متحده: ۶ ماه (۴۵)دالر- يكسال(۹۰) دالر

كانادا: ۶ ماه (۵۵) دالر = يكسال (۱۱۰) دالر

ساير كشورها: ۶ ماه(۶۵) دالر- يكسال (۱۳۰)دالر

Omaid Weekly

P.O. Box 30818

Alexandria, VA 22310

Tel/Fax : (703) 491-6321 Cell:(571)435-4604

Email: mkqawi471@gmail.com

داکتر محمداسماعيل رضای کسل – آلمان خسارات وارده بر بناهای دولتی. والتیام دردهای روحی ملت را کدام مرجع رسیدگی خواهد فرمود ؟!

امیدوارم دربارهٔ پرسشهای ذیل، دانشمندان بادرم ما نظریات خودرا از طریق این هفته نامهٔ وزین ارائه فرمایند :

اول : خساراتی که بر ساختمانهای دولتی ازطرف متجاوزین شوروی، وبعداز طرف طالبان پاکستانی وارد آمده است، مثل قصردارالامان، قصرتیهٔ تاج بیگ، قصر چهلستون، دستگاههای پارکهای صنعتی و صدها بنای فرهنگی مانند مجسمه های بزرگ بودا و آثار تاریخی موزیم ما تخریب و تاراج شده اند، باید حکومت وحدت ملی اقدامات عملی را آغاز بدارند، و اعادهٔ مبالغ این خسارات را ازدولت روسیهٔ فدرال، که میراثخور اتحادشوروی معدوم است، ودولت غدار پاکستان مطالبه نماید.

در تمام این بناها وساختمانهای تخریب شده، حقوق آحاد ملت، بویژه آن پا برهنه هایی که دردشتهای سوزان پاکستان وایران بسر می برند، حق وحصه دارند، ویابد حقوق آنها به ایشان پرداخته شود.

دوم : دربارهٔ صلح وامنیت، باآنکه همه روزه در کنار میزهای مدور و مستطیل و ذوقهٔ تلویزیون هاودر صفحات نشرات جای این مسایل مطرح وبررسی می گردد، اما مطالب عمده یکی دربارهٔ تولیدمواد مخدر ودیگری استفاده از آب دریاهای ما میباشند. درهردوی این موضوعات مقامات وافراد استفاده جوی پاکستانی، اهداف شوم خود رایش برده ومی برند، وبرای ادامهٔ این حالت، اوضاع امنیتی کشور ما را روزتاروز بدتر ساخته وامکان برقراری صلح را سلب می دارند. هرچندمبالغ هنگفت دالری طی چهارده سال ازسوی جامعهٔ جهانی برای محو کشت موادمخدر به افغانستان داده شده، ولی همین مافیای موادمخدر، بادادن رشوت به مقامات دولتی، همهٔ آرتابه و برباد کرده اند. همین افراد مافیا که افغان وپاکستانی که همواره از منابع ومراجع آی اس آی وظامیان پاکستان دستورمی گیرند، باهمه دهقانان بیچارهٔ افغان رویهٔ ظالمانه داشته باپرداخت پول بسیار کم، آنها را مجبوره کشت خشخاش ساخته وحاصل دسترنج ایشان رابه قیمت کاه ماش میخرند وبه کارخانه های هیروئین سازی پاکستان انتقال میدهند.

مفادسالیانهٔ این مافیا برای پاکستان سالانه به ملیاردها دالر بالغ می گردد.

جلو گیری از کشت وقاچاق موادمخدر از توان دولت مر گری بیرون است، چه رسدبه توانایی کنترلور توسط پلیس سرحدی. لذا بهتر است حکومت وحدت ملی، ازمنابع ملل متحد وسازمانهای جهانی مبارزه باکشت وقاچاق موادمخدر بصورت جدی ویبگیر کمک بگیرد، تابخشی ازمنبع پولی طالبان ودهشت افگنان گلبدینی وحقانی وحالا داعش را نابود بگرداند.

سوم: تنظیم بودجهٔ دولت است که درباره معیارهای علمی وعملی موجود است، نمیدانم وزارت مالیه باداشتن مشاورین خارجی که بهر کدام شان ماهانه هزاران دالر معاش میدهد، چرا درعملیهٔ تحلیل و ارزیابی درخواستهای وزارتها، عملیات موجهٔ علمی رابکارنمیرند؟ اقلام مصارفات بایست جهت رفع نیاز منندهای اصلی مردم ازقبیل تولیدانرژی برق، اشتغالزایی وسایرنیازما به مصرف برسد. وزیرمالیه سابق آقای زاخیلوال، باینکه دوسه سال قبل حامد کرزی به رسانه ها گفت که در خزانهٔ بیت المال چندین ملیارد دالر موجوداست، هنگام اتمام وظیفه اش، خزانهٔ خالی را به حکومت وحدت ملی تسلیم داد، مگر با حیرت تمام دبدیم که چنین شخصی بالااصله ازطرف رئیس جمهوربحیث مشاورامور اقتصادی مقررشد !

چهارم : بالاخره استفاده ازانرژی آبهای فراوان کشور بیادردا ولویت کار حکومت وحدت ملی قرارداشته باشد. درست است که مرتباً در اخبارو مصاحبات، مسئولین ازوقوف خویش براهمیت این امریانات ارائه میفرمایند، اما طی چهارده سال ماحتی ننواستیم یک بند آب گردان تاتکمیل ویخشی ازانرژی برقی مورد ضرورت راتهیه بداریم، بند سلماهنوزسرنوشت نامعلوم دارد وبند کجکی به سراجامی نرسیده، وبه همین قیاس سایرند ها. مادر کشورخود می توانیم به حد کافی از انرژی باد وانرژی آفتاب وانرژی آب تولید کنیم، مگر دریغ ازیک مرکز تولید انبوه انرژی، که هنوز نداریم .

در تمام زمینه هایی که عرض شد، توجهٔ مزید وجدی آقایان غنی و داکتر عبدالله را آرزو میداریم، تابا کلمات والفاظ بازی نکرده، عملاً دوسه پروژهٔ مهم تولید انرژی را سروسامان بدهند. /



احمدزی : زمان التیام بخشیدن به زخم های طالبان است!

۲۷مارچ/ واشنگتن -رویترز: غنی احمد زی رئیس جمهور افغانستان گفته شکجه وبد رفتاری با طالبان، سبب تشدید آزر دگی ورنجش آنان گردیده است.آقای غنی گفته است حالا زمان آن رسیده تا به زخم های طالبان التیام بخشیده شود و از آنان باید معذرت خواهی صورت بگیرد .

محمد طاها کوشان

فرخنده نوروژ مارا آتش زدند

میهن ما برُ از پیر وحضرت و آخوند وملا وجن گیر استخاره گر وجادوگر و مداری و ازین قبیل مار وگژدم وغندل هاست . اما شور یخانه که هم میهنان ما در تاریکی مطلق وبه ویژه پس از برگشت بسیاری از پاکستان؛ فرهنگ خشونت و مزخرفات بنام مذهب ودین وهرچه دیوانگی و پرخاشگری و کثافت کاری را باخود به میهن مقدس ما آورده اند.

شما یک روز از مدعیان روحانیت و وارثین نبوت چه درمنبر وجه در خاققاه و چه در مجالس عرفانی و روحانی؛ همانند مولانا جلال الدین محمدبلخی که باچه قوت واستواری و پایداری با لاطایلات و مزخرفات ضد قرءآن عیارانه می رزمید؛ دیده وشنیده اید که دربارهٔ استفاده ازقرءآن شریف برای پیدا کردن روزی، تهمت بستن و دروغ گویی وجادوگری مردم را آگاه ساخته وفهمانده باشند؟ بجز جفگ گفتن وترسانیدن جوانان ما از (خدای دیوصفت پیر و حضرت وملا وآخوند) نه شرح وتفسیر خداوند کریم مهربان وبخشنده. این از قشر مدعیان روحانیت و وارثین پیامبری!

سیاسیون عقل کل وناف زمین ما تابه روز بقدرت رسیدن نوکر و درمانگر درد های مردم جلوه کرده وبمجرد تکیه بر اربکه قدرت؛ چهرهٔ اصلی شان نمایان و بجز یک مشت حرف پوچ برای مردم وجمع وغند کردن سرما به برای خویش؛ از همدردی وخدمتگذاری وتلاش و کوشش برای بهروزی ویروزی وشاد دلی و کامیابی میهن وهم میهنان درکی نیست که نیست. در زیر ریش شان چنان فاجعهٔ رخ میدهد که باید رئیس مداری باجمیوریش یکجا در محل واقعه اگر نه به جنازه وفاتحه اش میرفتند. چه کردند وجی گفتند؟ در جهان کشوری را چنین دیده اید که پس از انتخابات رئیس جمهور و رئیس اجراییه بی کاینده در شش ماه؟ ریاست به دست کسانی خطاست که ازدست شان دست ها بر خداست

سعدی(رح)

بیداشتی و نا آگاهی بزرگترین و خطرناکترین دشمن انسان است. دوشیزهٔ شهید بی بی فرخنده یکی از دختران آگاه از قرءان خدای کریم بود که با مزخرفات و اوهیات و لاطایلات ستیز ید وجام شهادت را نوشید. اما تو جوان دانشمندو آگاه در برابر میهن وهم میهنات چه مسئولیت وظیفه داری؟ حاصل تحصیل تو چیست؟ برای خدا؟ برای مادر میهن؟ و برای خواهر وبرادر بیچاره وی دانشت چی کرده میتوانی وجه باید بکنی؟ جنگ وستیز تودر دو جبهه پرخاطر است: اول باکهنه گرایان گندیده مغز. دوم بانوجوان وجوان محروم از زیور وجوهر دانش . دستور خداوند است یخوان وبه قلبی که حضرتش علم آموخته وبه ما ارزانی داشته بنویس و روشنایی ببخش وهم میهنات را از لبه پرتگاه نیستی به گلستان زندگی بخش هستی بکشان . داستان پسر بد سرشت و پدر دلوپس را از زیان حضرت جامی (رح) میخوانیم : (دنباله در صفحهٔ چهارم) *****

برنامهٔ موثر ایجاد شغل وجذب جوانان در طی ۱۴سال نداشته وهنوز هم شغلزایی

دیده نمیشود. درین باره حکومت وحدت ملی چه راهی اندیشیده است ؟

ج : کاریابی یکی ازبختهای پیچیده وجنگالی است در مقابل حکومت وحدت ملی، ما در مرحلهٔ آدمید و حکومت را گرفتیم که یک میراث بسیار بد حکومت آقای کرزی رابخاود داریم درنمام عرصه ها، روابط بسیار خراب بابیرون وبرادر خواندن طالبها، قطع و کاهش کمک ها، شما دیدید که کمکهای ایالات متحده به نصف کاهش یافت، یعنی افغانستان هم کمکهای خارجی اش تضعیف شده و هم پهران انتخاباتی آمد، وحکومت درمار کیت بصورت جدی هنوز فعال نیست، وضیعت چندان خوبی نیست، اما تلاش جدی جریان دارد که طی یگان برنامه هایی مسألهٔ استخدام واشتغالزایی مطرح شودهم دربخش خصوصی هم حکومتی ولی درهر حال یک مشکلی است بسیار جدید وحساس که تلاش داریم در زمینه کارهایی انجام بدهیم .

از شما آقای کوشان بسیار تشکر که پرسشهای هموطنان عزیز ما در خارج رامطرح کردید، وامید دارم تاجایی به آنها جواب داده باشم، وهم امیدوارم که خدمت شما به ملت از طریق ادامهٔ انتشار هفته نامهٔ امید ادامه یابد.

کوشان : بنده هم از شما جناب داکتر رحیمی تشکرو سپاس می کنم، که وقت زیاد شما را گرفتیم. موفق وسرفراز باشید. /

معرفی مختصر داکتر محیب الرحمن رحیمی

دا کتر محیب الرحمن رحیمی، پژوهشگر، نویسنده، مترجم مسایل افغانستان، تحصیلات خویش را در رشتهٔ علوم سیاسی، از Department of government, University of Essexبریتانیا بدست آورده، وصاحب تألیفات ذیل میباشد :

۱- حیات صحابه (رضی الله عنهم) درشش جلد وسه هزار صفحه چاپ شده است؛ ۲- نقدی بر ساختار نظام در افغانستان، شش بار تجدید چاپ شده است؛ ۳- احمدشاه مسعود شهید راه صلح و آزادی، در دو جلد چاپ شده است؛ و ۴- فلسفهٔ ظهور دولت در افغانستان، تیزس داکتری چاپ شده، وبه زودی بر گردان فارسی دری آن انتشار خواهد یافت. همچنان صدها مقالهٔ پژوهشی سیاسی واجتماعی در نشرات افغانی در خارج وداخل کشور، تراجم زیدامسایل تحقیقاتی، و سخنرانیهای تشریحی دربارهٔ مضلات افغانستان در دانشگاههای بریتانیا وسازمان های پژوهشی افغانی در کشورهای اروپایی .



داکتر محیب الرحمن رحیمی حین دریافت دیپلم داکتری

دا کتر رحیمی از دورهٔ نوجوانی به جهادیوست ویوسته باقم وفکر در تحکیم وبه ثمر رساندن مقاومت ملی ملت افغانستان کوشیده، وبه عنوان یک جوان متعهد به وحدت ملی وعدالت اجتماعی در کشور بدل مساعی نموده است. موصوف پس از ایجاد حکومت وحدت ملی، در مقام سخنگوی رئیس اجراییهٔ دولت اسلامی افغانستان ایفای وظیفه می دارد. /

بازگشت همه به سوی اوست

-وفات مرحوم مغفور جناب استاد شمس الدین متین سلجوقی، یکی از خدام سابقه دار معارف کشور، در نیویارک را به خانوادهٔ بزرگ سلجوقی بویژه محمدمنیم مهرزاد سلجوقی صمیمانه تسلیت میگویم. روح آن همکار عزیز امید را در ذیل رحمت الهی شاد می خواهیم . همکاران قلمی هفته نامهٔ امید

یادبود فرخندهٔ شهید

بخاطر یادبود شهید فرخنده، محفلی به ساعت ۶ دیگر درسالون اجتماعات مسجد مبارک مصطفی(ص) در شهر آندل ایالت ورجینیا برگزار شد، که تعداد زیادی از بانوان وآقایان هموطن در آن حضور داشتند. محفل باتالوت آیات قرآنی آغاز یافت، ودوات ذیل در رابطه به قتل ظالمانهٔ فرخندهٔ شهید سخنرانی کردند : جنابان استاد راشد سلجوقی، قاری سیدولی مبارک، انجنیر محمد هاشم راییق، پروفسر لطیفی، خانم نجیه خلیل ،مولوی صفی الله، معتصم خلیلی، ویس از ادای نماز، خانم طاهره شیرزی صحبت نمود، ونیز آقای سیدجواد حسینی به قرائت مرثیهٔ سوزناک پرداخت . محفل بااتحاف دعابه روان شهید فرخنده وابرار تسلیت به پدرو مادر داغدیده وخوادهٔ آن مرحومه پایان یافت.

شمع افروزی به یاد شهید فرخنده

شام سه شنبه ۳۱ مارچ یکمده از افغانهای مقیم واشنگتن بزرگ، در برابر کاخ سفید از شهید فرخنده تجلیل کردند. آنان یش از یک هزار شمع رابه یاد او افروختند، به جاهلان ونابکارانی که آن دختر جوان یکناه را با قساوت غیر قابل باور لت و کوب کردند، بعد از رموتر نمودند، وسپس جسد بیجان او را در کنار رودخانهٔ کابل آتش زدند و باتخته سنگهای بزرگ بر جمجمه وبدن سوختهٔ او کوفتند، نفرین فرستادند . (امید)



جوامع افغانی در اکثر شهرهای بزرگ جهان، به ماتم فرخندهٔ شهید گردهم آبی ها ومراسم رونین ساختن هزاران شمع رابه یادان دوشیزهٔ شهید برپا کردند. عکس بالا گوشهٔ از چنین مراسم ومحافل در شهر واشنگتن دی سی می باشد .

احمدزی نظیر کاکلی شان ... (دنباله از صفحهٔ پنجم)

وخوهران هم میهن شان بیاستند وبرای رفاه وخوشبختی واعتلا ونوسازی و شکوفانی کشور شان دست بکار شوند.

برادرم جلال تآب غنی احمدزی، رئیس حکومت وحدت ملی افغانستان عزیز ! این است راه عزت وسربلندی، راه آشنی ملی وراه خوشبختی ورفاه وآرامش کشور عزیزمان افغانستان سربلند ! / .

قتل دختر جوانی که ... (دنباله از صفحهٔ پنجم)

تروریستهای در لباس دین مثل گروه طالبان از همین احادیث قابل مناقشه استفادهٔ سوء کرده اند .

در مورد مسایل اجتماعی که جواب آن در قرآن مجید یا احادیث شریف وجود ندارد، توصیهٔ رسول خدا(ص) به دلیل قضاوت شخصی گذاشته شده بود. مثال آنرا در صحبت حضرت محمد(ص) با آل مو عظ قاضی انتخاب شده اش در مصر به وضاحت میخوانیم، اما وقتی دروازهٔ اجتهاد بسته شد وسخنگوی سئوالات عصر جدید بدوش فقهای اسلام افتاد، کنفرانس فقها وظیفهٔ خود را طور شایسته اجرا نکرد. چون قرآن عظیم کتابی جامع بوده واز مسایل مختلف از سیاست، عدالت، ازدواج، میراث، قانون جنگ، حقوق زنان، حقوق یتیمان، ساینس، نجوم، نظریات پیدایش زمین وسایرات، به وجود آمدن انسان، طبابت وعلم انکشاف طفل در رحم مادر وصدها مسایل اجتماعی بحث کرده است، در تفسیر قرآن، علمای اسلامی فقه از متخصصین علوم مختلفه بطور دایمی و یحذلآم استفاده نکرده اند. مثلاً تاجاییکه مطالعهٔ من در قسمت مسایل طبی نشان میدهد، آیات قرآنی که مربوط علم طب میباشد، بصورت صحیح تفسیر نشده است. آیاتی که خیلی مغلق در مورد بیولوژی وعلم سیارات میباشد، نظربه عدم موجودیت متخصصین بزرگ ساینس، طور صحیح تفسیر نشده اند.

این عدم توجهٔ علمی در قرآن مجید واحادیث مبارک است که آیات قرآن واحادیث یا غلط تعبیر شده اند، ویا روشن ساخته نشده وبالاخره در دست ماله‌ای جاهل افتاده وآنها از آن برای بدست آوردن مقاصد شخصی استفاده میکنند. مرگ فرخنده باهمان پیمانه ایکه تأثر انگیز است، بیشتر از آن انسان را به حال تفسیر ناقص وغلط از دین مقدس اسلام در جهان امروز نگران میسازد. مدهیون افراطی که چون سیماب غلت میخورند واز مباحثهٔ علمی فرار میکنند، دشمنان اصلی دین مقدس اسلام میباشند.

مرگ جانگذاز فرخنده این پیام رابرای همهٔ ما آورد: ماهمهه باید به خاطر حایت از دین حقیقی اسلام قیام کنیم، وعقاید کاذب رامهار بزیم ونظربه ارشادات دینی خو، باید مطابق به عصر وزمان زندگی کنیم. /

ریاست اجراییه به توافقنامه پابند است ... (دنباله از صفحهٔ ششم)

ما برای حفظ صلح وثبات در کشور دادیم .

س : همهٔ افغانها میدانند که از جادری که یک پدیدهٔ استعماری انگریز به افغانستان آورده شده بود، استفاده های ناجایز وخطرناک میگردد، بسیاری از تروریستها ودهشت افگنان در زیر این وسیلهٔ فتنه به کشتار مردم ما پرداخته، در حالیکه هنوز هم در ولایات ودهکده ها در تمام افغانستان، زنان ودختران با یک چادر کلان به کار در کشتزار هامییر دازند وهیچ ابرادی هم نداشته وندارد. در زیر این چادری لعنتی حتاقاچاق مواد مخدر و کارهای ناشایست زیادی عملی میشود. آیا حکومت کدام برنامهٔ برای زدودن چادری دارد ؟

ج : نظر ما اینست که مسایل فرهنگی از حوزه هایی است که اگر حکومت مستقیماً دخالت کند همیشه نتایج منفی در پی داشته است، اما ما از تلاشهای جامعهٔ مدنی وآگاه سازی مردم وهر تلاشی که برای آزادی بیشتر وبرای احقاق حقو ز ن باشد، ما دفاع وحمایه میکنیم اما درعین حال خلاف تحمیل وخلاف هتک حرمت ومداخلهٔ بسیار صریح را در مسایل شخصی مفید نمی شماریم .

س: برای جوانها مشکل ییکاری از اهم مسایل است، اینهمه دانشگاهها و انستیتو تنها هر ساله هزاران دختر وجوان تحصیلکرده رابیرون می دهندو حکومت

تلفون ٥٧١-٤٣٥-٤٦٠٤
mkqawi471@gmail.com
Omaid, POBox 30818, VA 22310 USA

Tel/fax:(703) 491-6321 Cell:571 435 4604
Email : mkqawi471@gmail.com

کتاب (یادداشت‌های استادخلیل الله خلیلی)
توسط بانوماری خلیلی ناصری و آقای افضل
ناصری، به تازگی به زبان انگلیسی ترجمه شده
است. علاقمندان می‌توانند یک نسخه آنرا از
مرجع ذیل بدست بیاورند:

**Memoirs of Khalilullah Khalili: An
Afghan Philosopher Poet – A
Conversation with his Daughter,
Marie (ISBN-13: 978-0615889726, 554
pages, \$19.99) is available in paperback
in English and Persian
at www.amazon.com.**

**امید را برای دوستان تان اشتراک کنید.
مطمئن باشید از شما ممنون می‌شوند.**

گذشته توسط شبکه حقانی انجام شده که در آن ۲۰ نفر کشته و ۶۳ نفر زخمی شدند. فرد انتحاری شاه غلام نام دارد و از ملزمان پاکستان به خوست آمده بود. سراج الدین حقانی، رهبر شبکه حقانی هدایت مستقیم این حادثه را برعهده داشت. افرادی که در حادثه دست داشته شناسایی شده و اقدامات لازم انجام خواهد داد.



ردوی ملی مان افتخار نکینم و پوز جاسوسان ملی، (دنباله درستون دوم)

آخرین صاحب‌نظر مجلس مشتش را بر میز کوییدو گفت: شما سرپشقل سوار هستیند و کشمیر را می‌بینید. حق ناشناسی هم اندازه یی دارد. اگر ما و شما به پلیس و اردوی ملی مان افتخار نکنیم و پوز جاسوسان ملی، (دنباله در ستون دوم)